

تنباکو و پیامدهای آن فتوای تحریم (1)

در یکی از مراحل بحرانی تاریخ اسلام که استعمار انگلیس با کسب امتیاز تنباکو می رفت تا کشور اسلامی ایران را در ردیف مستعمرات خود در آورد عالمی متعهد مرزبانی آگاه و بیدار مرجع عالیقدر جهان تشیع میرزای شیرازی بزرگ عمق توطئه را دریافت و با صدور فتوای تحریم تنباکو بزرگترین ضربه را بر پیکر دولت استعمارگر انگلیس نواخت و او را در اهداف شوم و شیطانی خود ناکام کرد.

این فتوای قاطع و کوبنده استبداد را رسوا ساخت . قوت و قدرت اسلام و رهبران مذهبی را به نمایش گذاشت . برای نخستین بار توانایی مبارزه منفی را در رویارویی با قوی ترین قدرت زمان به اثبات رساند. الهام بخش همه حرکتهای ضداستعماری و ضداستبدای کشورهای اسلامی گردید و...

از این رو شایسته است که محققان درباره این فتوا و نقش تاریخ ساز آن به بحث و بررسی بنشینند و این مقطع از تاریخ ایران را که در حقیقت سرفصل مبارزات ضداستعماری امت اسلامی ایران است به دور از جعل و تحریف به همه انسانهای به تنگ آمده از قدرتهای استعماری و استبدادی بشناسانند.

گر چه درباره نهضت تنباکو کتابها ، رساله ها و مقالات بسیاری نگاشته شده که برخی نیز شایان تقدیر و تشکر است ولی از این حقیقت نمی توان چشم پوشید که حرکتهای ضداستعماری و ضداستبدادی همواره در طول تاریخ از دست تحریف قلم به مردان و تاریخ نگاران درباری و استعماری مصون نمانده اند. هر چه حرکت کوبنده تر و شگفتناک تر بوده تلاش دشمنان نیز در جعل و تحریف قوی تر و پیچیده تر. تاریخ مبارزات صد ساله ملت مسلمان ایران گواه این مدعاست و نهضت تنباکو بهترین شاهد .

برای تبیین اهمیت قیام امت اسلامی در این بخش از تاریخ معاصر و برای روکردن دست تاریخ نگاران استعماری و درباری در تحریف و وارونه جلوه دادن نهضت تنباکو به مسائل ذیل می پردازیم :

1. بستر صدور فتوا.

2. عکس العمل مردم و علم در برابر قرارداد رژی .

3. برخورد عالمان دین و امت مسلمان با فتوای تحریم تنباکو.

4. عکس العمل حکومت و کمپانی رژی در برابر مردم و فتوای تحریم .

5. پیامدهای فتوا.

6. تحریف تاریخ .

بستر صدور فتوا

برای درک و شناخت اهمیت فتو پیش از هر چیز لازم است بستر صدور فتوا را بشناسیم . برای این

منظور نگاهی داریم به عناوین زیر:

استعمارگران در ایران عصر ناصری .

واگذاری امتیازات و ماهیت آنها.

اهداف استعمارگران از اخذ امتیازات .

امتیاز تنباکو و اهدافی که استعمارگران از گرفتن این امتیاز داشتند.

پیامدهای زیانبار آن .

حکومت ناصری واستعمارگران

رقابت شدید روس وانگلیس بر سر دستیابی به امتیازات بیشتر و چپاول سرمایه های مردم محروم این مملکت در اواخر دوره ناصری به اوج خود رسید. هرگاه یکی از دو کشور رقیب موفق به تحصیل امتیازی در ایران می شد طرف مقابل یا درالغای آن می کوشید و یا حداقل امتیازی در حد آن درخواست می کرد. لرد کور وزن ایران آن روز را چنین تصویر می کند:

[صحنه ایران مانند صفحه شطرنجی شده بود که حرکت یک طرف با حرکت و اقدام طرف دیگر مواجه می گشت] 1 .

در سال 1280 هجری قمری امتیاز تلگراف خانه به انگلیس واگذار شد. روسها در مقابل از سال 1298 به بعد طی چند پیمان امتیاز استفاده از خطوط تلگراف را در شمال و شمال شرقی کشور تحصیل نمودند. امتیاز راه آهن در سال 1289 به [رویترا] و در حقیقت به انگلیس واگذار شد که با اعتراض علماء دینی و دلخوری روس این امتیاز پا نگرفت . ولی پس از چند سال سال 1306 امتیاز تاسیس بانک شاهنشاهی ایران و حق نشر اسکناس و... به رویترا داده شد.

چند ماه بعد یعنی در سال 1307 هجری قمری امتیاز تاسیس بانک استقراضی روس به یک تبعه روس داده شد و پس از چند ماه دولت روسیه این امتیاز را به خود منتقل ساخت . در همان سال امتیاز انحصاری ساخت راه تهران به اهواز به انضمام راه بروجرد و اصفهان با واسطه ای به انگلیس واگذار شد. در مقابل همان سال امتیاز بهره برداری از درختهای زیتون ایالت گیلان که متعلق به مردم بود به یک کمپانی روسی بخشیده شد و در سال 1308 امتیاز انحصاری بریدن چوب شمشاد از جنگلهای آستارا تا استرآباد و حمل آنها به خارج به همان کمپانی واگذار شد.

امتیاز کشتیرانی در رود کارون و امتیاز رژی به انگلیس داده شد و پیش از آن به عنوان جواز عبور از خاک روسیه برای سومین سفر شاه و درباریان به اروپا امتیاز کشتیرانی در شمال و چند امتیاز دیگر به روسها داده شد. 2

از طرف دیگر در آن زمان ناصرالدین شاه و دربار به خاطر نداشتن پایگاه مردمی به دو دولت روس و انگلیس متکی بودند. آنان نقش تعیین کننده ای را در دربار شاه داشتند. محور عمده حل و فصل مشکلات سیاهی اجتماعی اقتصادی رژیم حاکم را سیاست موازنه مثبت و جلب رضایت دو ابرقدرت از طریق واگذاری امتیازات و منافع مختلف به آنها تشکیل می داد. تا جائی که این عمل به عنوان شیوه ای

سهل الوصول در برابر تکاثر طلبی استعمارگران به کار گرفته می شد.

ماهیت امتیازات

این امتیازات هر چند در پوشش خدمات و گاه خرید و فروش و معاملات بازرگانی بین یک فرد یا شرکت خارجی با دولت ایران انجام می گرفت 3 ولی ماهیتی کاملا استعماری و خائنانه داشت و اهداف شوم و شیطانی خاصی را دنبال می کرد. به عنوان نمونه :

امتیاز تلگرافخانه که در سال 1280 هجری قمری به انگلیسیها داده شد به ظاهر کار خدماتی بود ولی انگلیسیها پس از اخذ این امتیاز در تمام مسیر سیم ماموران نظامی و سیاسی خود را پخش نموده و بنای تحریکات را گذاشتند. علاوه بر آن محل تلگرافخانه ها را به صورت پناهگاه و بست در آوردند و با حمایت از بست نشینان و بسط نفوذ خود از این طریق دولتی مافوق دولت به وجود آوردند. ژنرال گلد اسمیت 4 که به تجزیه دو قسمت از خاک ایران حکم داد به عنوان سرپرست همین سیم کشیه مامور بلوچستان بود و وظیفه شوراندن بلوچها را علیه دولت ایران به عهده داشت .

کنت دوگوبینو در گزارش خود به وزیر امور خارجه فرانسه می نویسد:

[انگلیسیها اصرار دارند که امتیاز کشیدن سیم تلگراف از بغداد به تهران و بوشهر هندوستان را از شاه بگیرند... این واقعه مساوی با اشغال و تملک تدریجی امپراتوری ایران خواهد بود] 5 .

همچنین امتیاز راه آهن و قرارداد رویتز چنانکه از اسمش پیداست به ظاهر یک کار خدماتی است اما در حقیقت و با توجه به متن آن با واگذاری این امتیاز جمیع منابع مملکت و کلیه حقوق ملت و دولت درست در اختیار یک تبعه انگلیسی قرار گرفت و در حقیقت به دولت بریتانیای کبیر بخشیده شد. با توجه به مفاد این عهدنامه اگر این امتیاز پا می گرفت دولت ایران به درجه عامل نظم و مامور حفظ اموال کمپانی تنزل کرده و حکومت واقعی را به عمال کمپانی تفویض کرده بود.

لرد کوروزن می نویسد:

[یک چنین امتیاز عظیم و بی سابقه ای در حقیقت یک بخشش نامه از طرف دولت ایران است . و باید اعتراف نمود که اگر بریتانیا می توانست این بازی را به آخر برساند هم شاه ایران مات می شد و هم تزار روس در جای خود میخ کوب می گردید] 6 .

و قس علیها فعلل و تفعلل . بقیه امتیازات از جمله امتیاز رژی هر چند در پوشش خرید و فروش توتون و تنباکو انجام گرفت ولی ماهیتی کاملا استعماری شبیه امتیاز تلگراف خانه با وسعت بیشتر داشت .

انگیزه دربار از واگذاری امتیازات

شاه و درباریان که پایگاهی در میان مردم نداشتند در جلب رضایت و نزدیکی به خارجیان چه انگلیسی و چه روسی از یکدیگر پیش می گرفتند. بدین سبب در این کشور هرج و مرج استعماری خاصی به وجود آمده بود که به مراتب شوم تر از رژیم استعماری انگلیس در هند یا سیستم استعماری روسیه در شهرهای گشوده آذربایجان ایران بود. مردانی که به نام رجال سیاسی کشور عهده دار امور مملکت داری بودند غیرت ملیت و اسلام خواهی را از دست داده بودند و جز راه خانه سفرای خارجی راه دیگری را نمی شناختند و جز ارباب خویش گاه انگلیس و گاه روسیه کس دیگر را به اربابی قبول نداشتند. تنها این سیاست را مایه حفظ تاج و تخت عیش و نوش و منافع شخصی دربار و قدر قدرتی شاه می دانستند لذا درباریان نه تنها مردمان بیگانه در حقیقت دول بیگانه را تشویق به اخذ امتیازات می کردند که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه محض اطمینان دولت علیه از حسن جریان امور! مقرراتی تحت عنوان :

دستورالعمل مجلس ترفیقات امتیازات تهیه شد و اداره ای با ریاست هوتم شیندلر تبعه انگلیس و از

اعضای تلگراف خانه تشکیل گردید تا هر کس از دولت ایران درخواست امتیازی دارد به این اداره مراجعه کند. 7

لرد کوروزن می نویسد:

[سرمایه داران خارجی برای اخذ امتیاز مانند مور و ملخ به ایران هجوم آوردند... و شاه نیز حضراست موافقت کند چون که کلی به حساب شخص شاه داده می شود] 8 .

نه تنها مبلغی به عنوان رشوه به تناسب امتیاز به شاه داده می شد که درباریان را نیز از این حراج و فروش مملکت سهمی در خور بود. کمتر امتیازی است که بدون رشوه پا گرفته باشد. درآمدی که از این طریق به جیب شاه و درباریان ریخته می شد صرف عیش و نوش و مسافرت های بیهوده می شد. طور کلی هر وقت شاه هوس فرنگ می کرد به فروش کشور و منابع آن دست می زد 9 .

از دیگر انگیزه های واگذاری این امتیازات غریبزدگی است . برخی بر این باور بودند که برای تنویر افکار ملت ایران و ایجاد تحرک اقتصادی باید متصدیان و سرمایه گذاران خارجی را به ایران بکشند. میرزا حسین خان سپهسالار و استادش ملکم به ظاهر از طرفداران این طرز تفکر بودند. قرارداد رویتز نیز براین اساس پا گرفت .

البته ما براین باوریم که آنان در این ادعا نیز صداقت نداشتند. هدف آنان از واگذاری این امتیازات منافع شخصی، خدمت به اربابان خویش و هر چه بیشتر وابسته کردن ایران اسلامی بود و بس .

برای تبیین انگیزه های شاه و دربار از واگذاری امتیازات لازم است نگاهی داشته باشیم به برخی از امتیازاتی که در عصر میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا علی اصغرخان امین السطان قهرمانان نامی این سیاست (امتیازدهی) به بیگانگان داده شد:

میرزا حسین خان سپهسالار که در 29 شعبان 1288 به زور انگلیسیها بر سرکار آمد از ایدئولوژی انحراف آمیز و استعمار مابانه استاد خود میرزا ملکم خان ناظم الدوله که شعار: [تمدن غرب بدون دخالت ایرانی] را علم کرده بود پیروی می کرد.

[از خلال مواد عهد نامه رویتز نیز چنین مفهوم می شود که : هنگام تهیه این مواد آن شعار کاملا ملحوظ ذهن صدراعظم بوده و چنین در نظر داشته اند که تنها راه آباد کردن ایران مداخله تام و تمام خارجی در جمیع امور این مملکت است . بر مبنای این اندیشه سراپا غلط بود که سپهسالار در ضمن قرارداد رویتز امور راه آهنها و ترامواها و راه های شوسه و ارتباطات تلگرافی و جمیع منابع مولد ثروت را اعم از معدنی و صنعتی و فلاحتی و آبیاری و سنگ فرش کوچه ها و گاز و احتیاجات عمومی شهرها و روستاها و بهره برداری از جنگل ها را در ید قدرت انگلیس قرار داد... شاید سپهسالار همانند استاد ایدئولوژیک خود میرزا ملکم خان دیده و دانسته به مملکت خیانت می کرده و در زیر این شعارهای ظاهر فریب و استعمار انگلیس خدمت می نموده است . در واقع اگر قضیه رشوه خواری سپهسالار را در ضمن انعقاد قرارداد رویتز که دکتر فووریه از قول محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب خود نوشته باور کنیم باید بگوئیم که سپهسالار هم مثل جمیع وزرای عهد قاجاریه به جز امیرکبیر در خدمت استعمار قرار داشته است] 10 .

به هر حال آنچه واقع شد این بود که : سپهسالار در دوران اولیه نخست وزیری اش به خاطر روحیه غریبزدگی و منافع شخصی خویش خیانت را به اوج رساند و تمام مقاصد ارضی و سیاسی انگلیسیها را به مرحله عمل در آورد. علاوه بر آن به انتزاع نیمی از بلوچستان رضایت داد و سند بخشش مملکت را به صورت قرارداد رویتز به امضاء رسانید و به انگلیسی ها تقدیم نمود. 11

هنگامی که متن قرارداد تنظیم شد شاه دستور داد که هیاتی از رجال دولت آن را بررسی و نظر خود را اعلام کنند. این هیات که مبلغ دویست هزار لیره 12 از رویتز رشوه دریافت داشته بود در گزارشی به

شاه نوشت :

[به جهت ساختن راه آهن درایران اقل پنجاه کرور پول نقد لازم داریم ... الان یک کمپانی پیدا شده که می خواهد این پنجاه کرور را برای ما خرج بکند. آیا در برابر این پنجاه کرور چه باید بدهیم ... آنچه به عقل فدویان می رسید... همه را مشخص کرده ایم ... آنچه داده ایم منحصر عبارت از مواد عاقله است که تاکنون هیچ نفعی برای دولت نداشته اند] 13 ...

پر واضح است هیاتی که از زالوهای دربار تشکیل شده باشد از درجه منافع شخصی و آنی خود به ملت و مملکت نگاه می کند. علاوه برای اقناع شده نیز منابع ثروت کشور را به عنوان [مواد عاقله ای که تاکنون هیچ نفعی برای دولت نداشته اند] جلوه گر سازد. شاه هم با چرخاندن قلم خویش تمام منابع ایران را در اختیار رویتز گذاشت و 200 لیره رشوه رویتز را برایشان حلال نمود!

در زمان صدارت میرزا علی اصغرخان امین السلطان نیز امتیازاتی واگذار شد که دقت در آنها به خوبی ماهیت و انگیزه واگذاری را می نمایاند. در سومین سفر شاه که امین السلطان وی را همراهی می کرد میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در لندن یکی از مفتضح ترین امتیازها را به نام: [لاتاری] به نام منشی خود با رشوه ای به مبلغ یک هزار لیره انگلیسی به عنوان پیش کش گرفت . پس از آن به دو شرکت انگلیسی به چهل هزار لیره فروخت ! ولی چون سهم امین السلطان طبق قراری که در پشت پرده این قضیه با هم گذاشته بودند پرداخت نشد شاه به تحریک امین السلطان امتیاز را لغو کرد و خسارت دو کمپانی انگلیسی را پرداخت . 14

شاه در همین سفر قرار و مدار تفویض امتیاز انحصاری دخانیات را با تالبوت گذاشت .

امتیاز رژی

از آنچه تاکنون آوردیم روشن شد که : دوره ناصری دوره امتیازات و این امتیازات دارای ماهیتی کاملا استعماری بوده است . حفظ تاج و تخت، منافع شخصی و غریبزدگی از انگیزه های واگذاری این امتیازات بوده است .

از جمله این امتیازات با همان ماهیت و همان انگیزه امتیاز رژی است که در این مقاله به ابعاد گوناگون آن خواهیم پرداخت . در سومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و توقف او در انگلستان (شعبان 1306 ه.ق) پیشنهاد اعطای امتیاز توتون و تنباکوی ایران به انگلستان مطرح می شود و قرار آن نیز گذاشته می شود. دولت انگلیس به شیوه مرسوم خود فردی به نام تالبوت را به عنوان طرف قرارداد معرفی می کند. پس از بازگشت شاه تالبوت نیز در راس یک سندیکای ساختگی و خلق الساعه وارد تهران می شود و در سفارت انگلیس اقامت می گزیند و از آن جا مذاکرات مربوط به امتیاز را پی می گیرد. سرانجام در تاریخ 28 رجب 1308 امتیاز انحصاری توتون و تنباکوی ایران در 15 ماده تنظیم و به امضای ناصرالدین شاه می رسد 15 .

ماهیت امتیاز رژی

قرارداد ماهیتا استعماری و به زیان ملت و دولت ایران بود. گواه براین مطلب متن قرارداد رژی است :

براساس این قرارداد:

1. هر زارع ایرانی ملزم بود که محصول خود را با قیمتی بسیار ارزان به کمپانی رژی بفروشد و با قیمتی گزاف توتون و تنباکوی مورد نیاز خویش را بخرد !؟
2. انگلیسی ها تسهیلات و امکانات فراوانی کسب کردند از جمله : در اختیار داشتن زارعین و حتی حکام ولایات برای کسب هر نوع خبر. در حقیقت جاسوسی به شیوه انگلیس برای آگاهی از چند و چون

کشاورزی ایران و در نهایت رسیدن به مقاصد استثمارگرانه و گسترش هر چه بیشتر سلطه خویش .
3. سلب هر نوع حقوق از تاجر کاسب و زارع و مصرف کننده ایرانی در زمینه حمل و نقل و خرید و فروش توتون و تنباکو... مگر با اجازه کتبی صاحبان امتیازنامه .

4. معافیت کمپانی از هرگونه رسوم گمرکی و پرداخت مالیات در مورد ورود جمیع اسباب و آلات لازمه .
با این شرائط مرزهای ایران بدون قید و شرط به روی انگلیسیان باز می شد و به آنان اجازه می داد که هر چه می خواهند به ایران وارد کنند حتی اسلحه و مهمات جنگی چنانکه بعدا معلوم شد بسته هایی به عنوان اسباب و آلات شرکت رژی از انگلستان حمل می شده اما حاوی اسلحه و مهمات جنگی بوده است .

کربلایی در این زمینه می نویسد:

چندین صندوق به نام و نشان رئیس دخانیه وارد گمرک خانه شد. وکیل صاحب امتیاز به وضع سابق خواست بگذارند (یعنی بدون بازرسی) گمرکیان سخت گرفتند که اکنون وضع سابق به هم خورده باید مراسم گمرک را اجراء داریم ... از مرکز دستور رسید که صندوقها گشوده و تحقیق و بررسی شود. گمرکیان خواهی نخواهی صندوقها را گشوده کلا اسلحه و آلات جنگ مانند: نارنجک و تفنگ و باورتهای بی رنگ بود 16 .

دولت ایران با واگذاری این امتیاز متعهد شد که :

1. در طول مدت قرارداد (50 سال) بر رسوم گمرک و سایر عوارض آن به هیچ وجه نیفزاید.
 2. کسانی را که بدون اجازه کمپانی به خرید و فروش دخانیات اقدام کنند به کیفر سخت برساند.
 3. در صورت اختلاف بین کمپانی انگلیسی و دولت ایران یک نفر از سفرای اتازونی (آمریکا) آلمان اتریش به عنوان حکم داوری نمایند.
- و چندین شرط دیگر که همگی حاکی از استعماری و استثمارگری بودن امتیاز است .

انگیزه واگذاری امتیاز رژی

اگر در واگذاری امتیازات دیگر هدفی غیر از منافع شخصی از قبیل : پیشرفت کشور و احیاء اقتصادی آن را بپذیریم چنانچه برخی گفته اند، در این امتیاز به هیچ وجه نمی توان آن توجیه ها را پذیرفت . تنها انگیزه ای که می توان برای این امتیاز ذکر کرد تامین مخارج گراف سفرهای اروپا و منافع شخصی شاه و درباریان است .

ناظم الاسلام کرمانی می نویسد:

[در سنه 1309 کمپانی رژی امتیاز دخانیات را از ناصرالدین شاه گرفت] 17 ... و در عوض چند کرور به شاه و درباریان داد... بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدند که امروز دخانیات محدود شد فردا نمک و روز دیگر هیزم و ذغال و آب و غیره و به ازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی مملکت نخواهد شد. یا تفاوت مواجب فلان شاهزاده است یا مدد معاش فلان آقازاده یا خرج مسافرت فرنگ یا نیاز خانم قشنگ، ملت متضرر شده و نفع را خارجه برده و بر مملکت هم تسلط و نفوذ تامی حاصل خواهند کرد 18 .

برخی از مورخین از جمله : شیخ حسن کربلایی محمدرضا زنجانی و... از سومین سفر شاه به فرنگ و انگیزه واگذاری امتیاز تنباکو سخن گفته اند. ما برای روشن تر شدن انگیزه واگذاری این امتیاز شمه ای از نوشته های این مورخین را ذکر می کنیم :

انگلیسی ها در این سفر بیش از پیش در پذیرایی شاه و همراهان کوشیدند. ملکه انگلستان به هر یک از همراهان شاه نشانهایی اعطاء کرد که هیچ کدام از آنان انتظارش را نداشتند. در این سفر به شاه

پیشنهادی از جمله امتیاز توتون و تنباکوی ایران را دادند. وزیر مختارانگلیس در ایران که در آن زمان در انگلستان بود و تالبوت با امین السلطان و اعتمادالسلطنه در اخذ این امتیاز گفتگو کردند. امین السلطان هم این موضوع را با شاه در میان گذاشت و منافع آن را برشمرد و اضافه کرد: پولی که از این امتیاز به دست می آید گنج بادآورده است!

ناصرالدین شاه که می پنداشت با پولی که از این راه به دست خواهد آمد نه تنها هزینه این سفر جبران خواهد شد بلکه خرج سفر دیگری نیز تامین خواهد گردید از این روی مصمم شد این امتیاز را به انگلیسی ها واگذار کند. 19 علاوه بر این ماژور تالبوت که نقاط ضعف شاه و درباریان را می دانست برای مفتون ساختن وی و همراهان دخترکی پانزده ساله را که به قول خود وی بسیار خوشگل بود به شنا وادار کرده بود! 20

آیا می شود پیشنهاد به این خوبی آن هم از طرف شخصی که دخترش مقبول شاه است رد شود؟ رشوه هایی که شاه و درباریان در واگذاری این امتیاز گرفتند بسیار کلان بود. تالبوت وقتی که عازم ایران شد از پاریس نامه ذیل را فرستاد:

[این جانب ماژور تالبوت تعهد می کنم که برای حضرت اشرف امین السلطان و اعلیحضرت شاه ایران به حضرت اشرف مبلغ چهل هزار لیره استرلینگ بپردازیم : ده هزار لیره از این مبلغ را روز نفویض امتیازنامه رژی ده هزار لیره دیگر از این مبلغ را در اولین روزی که امتیاز رژی به موقع اجرا گذاشته شود، بیست هزار لیره بقیه را دو ماه پس از امتیاز رژی] 21 .

پاریس 1889

فووریه پزشک مخصوص ناصرالدین شاه در این باره می نویسد:

[شرکت انگلیسی این امتیاز را با دادن رشوه های گزاف که به دو میلیون فرانک بالغ می شود گرفته و حق این است که تحصیل آن به این خرج می ارزیده است] 22 .
رئیس کمپانی در ضیافت سفیر روس می گوید:

[زیاده از چهار کرور به رشوه و تعارف و مواجب و تعمیرات ... خسارت کشیده ام] 23 .

عباس میرزا ملک آراء پس از آن که از واگذاری انحصار تنباکو با قیمتی نازل و بدون شرایط صحیح یاد می کند علت آن را این چنین بیان می کند:

[چون مبلغی گزاف به اطراف شاه داد و هر کسی که احتمال می رفت منشاء اثری شود باقی نماند الا آن که پولی گرفت لهذا همه تصدیق و تحسین نمودند. و کمپانی در ضمن شرایط متقبل شد که سالی پانزده هزار لیره انگلیسی به شاه بدهد] 24 .

وی در ادامه گفتارش از شرایط پنهانی کمپانی با امین السلطان و دیگران برای دریافت رشوه سخن می گوید.

اهداف انگلستان

هرچند با اندک توجهی به متن قرارداد و آنچه در ماهیت این امتیاز آوردیم تا حدودی می توان به اهداف انگلستان از تحصیل این امتیاز پی برد ولی حوادث و وقایع پس از واگذاری این امتیاز به خوبی نشان می دهد که این امتیاز معمولی نبود. هدف انگلستان تنها قرار گرفتن امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران نبود تا از این رهگذار سود مادی نصیب خویش سازد بلکه هدف او از امتیاز که مدخلی است برای نفوذ در جامعه اسلامی ایران و رواج غربزدگی و در نهایت استعمار و استثمار یک ملت، البته باین تفاوت که نیروهای مهاجم استعماری در مثل کشورهایمانند: هندوستان به طور مرئی و مستقیم توسط نیروهای نظامی وارد شده و آن کشور را اشغال کرده است و در ایران به گونه ای

غیرمستقیم آمده است . در عین حال هدف یکی است . برای تبیین این مطلب لازم است نگاهی داشته باشیم هر چند گذر به اقداماتی که کمپانی رژی در شروع کار انجام داد:

قلعه نظامی یا احداث محل کمپانی

پس از رسمیت و اعلان امتیاز فوق در آغاز سال 1308 ه.ق تالبوت که به همراه عده ای از فرنگیان به ایران آمده بود در شهرها پراکنده شدند و در هر شهری عمارتی مستحکم در بهترین نقاط و مشرف بر تمام شهر در اختیار گرفتند. مثلا در تهران باغی در بهترین نقطه شهر و مشرف بر تمام شهر و ارک سلطنتی به مبلغی هنگفت به عنوان مرکز کمپانی خریداری کردند. اطراف آن را همچون قلعه نظامی دیواری بلند و قطور به عرض چهار متر کشیدند و ساختمانی مستحکم و بزرگی همچون مرکز یک قشون مجهز در وسط آن برپا کردند که مایه حیرت و وحشت هر ایرانی شد.

شیخ حسن کربلایی در این زمینه می نویسد:

نخست نقطه ای خیلی عمده و خیلی مرغوبی را در حوالی 25 ارک دولت که معروف به باغ ایلخانی است به معادل چهل و پنج هزار تومان عین اشرفی خریده و به معادل یکصد و پنجاه هزار و چیزی تومان عمارت عالی خیلی ممتازی بنا کردند. دورادور عمارت را به سور خیلی مستحکم بسیار بلندی که مشرف و مسلط بر ارگ دولت و سایر نقاط شهر است با گچ و آجر در قطر قریب چهار ذرع ساخته به طوری که این عمارت مانند کشتی ذره پوش توپ بر دورادور و آن تواند گردش نمود 26 .

هجوم فرنگیان به ایران

در مدتی بسیار اندک پس از ورود تالبوت و همراهان بیش از دویست هزار 27 فرنگی به عنوان کارگزاران این شرکت به ایران اسلامی هجوم آوردند. گروه گروه در شهرها و ولایات ایران مستقر شدند. شکل ظاهری شهر و بازار مسلمین را تغییر دادند. این افراد نه تنها زارعین و سایر سکنه نقاط را تحت سلطه خود درآوردند که حکام ولایات را به امر شاه و تصمیم و فرمان دولت زیر فرمان خود گرفتند. موجی از خارجیان در خیابانهای هر شهر و ولایتی به راه افتاد.

مرحوم شیخ حسن کربلایی که خود از معاصرین واقعه رژی است می نویسد:

[ایران فرنگی بازار درست و حسابی گردید. بخصوص تهران که در این تازگیها از فرنگی قیامت و محشر شده بود. هرجا می رفتی فرنگی خانه فرنگی دکان فرنگی بازار فرنگی کوچه فرنگی بالجمله این جماعت خارجی در هر بلدی پس از استقرار از هر سو مسلمانان بیچاره در دامها افکنده و دانه ها افشانند. شرح این اوضاع فرنگی بازار جدید ایران در حیز تقریر و توصیف نگنجد] 28 .

رفتار فرنگیان با مردم ایران

فرنگیان مهاجم به ایران به بهانه کارمندان رژی از همان آغاز با ایرانیان رفتاری استعمارگرانه داشتند. این رفتار به خوبی سوءنیت و افکار پلید آنان را نشان می داد. این فرنگیان چنان به وابستگی خود به کمپانی و پشتیبانی حکومت دلگرم بودند که با توده مردم مسلمان ایران رفتاری زشت و ناهنجار داشتند به طوری که احساسات ملی و مذهبی مردم را جریحه دار کردند. و چنان گستاخ و مغرور بودند که در برخی از مواقع مسلمانان را به مختصر بهانه ای کتک می زدند.

مرحوم شیخ رضا زنجانی و کربلایی در این زمینه می نویسند:

[در این پایتخت بزرگ اسلام در موضع ایستگاه ماشین حضرت عبدالعظیم در محضر جمعی از مسلمانان یک نفر فرنگی ... چنان سیلی سختی زد که کلاه از سر مسلمان به چندین قدم آن سو افتاد... به این

قناعت نکرد زبان به هرزه گوئی باز کرد؛ حالا برو نزد هر زن فلانی که می خواهی شکایت کن ! مسلمان بیچاره هم که می دانست با کدام حریف درافتاده اصلا هیچ نگفت [29 .

استخدام مسلمانان

استضعاف مالی و فرهنگی بسیاری از مردم آنان را به اجیری و خدمتگزاری فرنگیان کشانده بود به گونه ای که مایه ذلت و تحقیر مسلمانان به شمار می آمد. افزون بر این چون این جماعت مستخدمین پایه و مایه دینی نداشتند خیلی زود به رنگ فرنگیان در آمده و همانند آنان به شراب خواری روزه خواری و... تظاهر می کردند. چون وابسته به کمپانی بودند کسی جرات امر و نهی آنان را نداشت و اگر احيانا کسی پیدا می شد و با نرمش آنان را نصیحت می کرد پاسخ یک جمله کوتاه بود: [عیسی به دین خود موسی به دین خود]

کربلائی و زنجانی می نویسند:

[علاوه بر این همه خلق خارجی که در ایران گرد آمده بودند روی هم رفته هر یکی برای خدمت و کار چندین نفر زن و مرد مسلمان را اجیر کرده خاصه زنان مسلمان را که برای خدمتکاری و دایگی اطفال با شهریه و مواجب گزافی به خانه های خود برده بودند چنانکه در این تهران از هر کوچه که می گذشتی یک زن مسلمان را که بچه خارجی ها در بغل گرفته می دیدی . بسا هم می شد که یک و دو به دنبالش به زبان فارسی ننه گوین می دویدند] 30 .

ترویج فحشاء

گسترش فساد و فحشاء، استفاده از دختران فرنگی جوان برای خرید و فروش، ایجاد کافه ها و قمارخانه ها، تاسیس مشروب فروشی، ایجاد فاحشه خانه های رسمی، دعوت زنان مسلمان به هرزگی واستخدام آنان، ایجاد شبکه نوکران از افراد سست عنصر، تاسیس کلیساها و مدارس، تدریس انجیل و ترویج مسیحیت به صورت جدی و آشکار... اینها همه از نمونه کارهای کمپانی رژی بود. شیخ حسن کربلائی و شیخ محمدرضا زنجانی شرح جامعی از اوضاع آن زمان و موارد فوق داده اند که اجمالی از آن را می آوریم :

[دختران فرنگی برای تاراج عقل و دین جوانان مسلمان وارد شدند. زنان بدکاره خارجی نیز همراه آنها به کسب درآمد پرداختند. در هر شهری مخصوصا تهران چندین تاجر و فاحشه خانه تشکیل گشت . کافه های قمار و رقص و مشروب رایج شد. مبلغین مسیحی همراه با خواهران مقدس و عمله طرب به تبلیغ مسیحیت پرداختند تا مسلمانان را به راه راست دعوت کنند! این گونه اعمال شدیداً باعث ناراحتی روحانیت و مردم گردید.

بالجمله آن درجه از انحطاط و ضعفی که اسلام و اسلامیان را در این قرن روی داده و آن طرحی که خارجیان برای استثمار ایران پیش خود ریخته و بدین وضع پیش آمده بود هرگاه لطف خداوندی تدارک نفرموده بود و چندی بدین وضع تیره بر ایران گذشته بود هر آینه عنقریب اسمی از ایران و اسلام به جا نمانده و بالمره محو می شد] 31 .

اقدامات ابتدائی کمپانی هجوم فرنگیان به ایران در آن سطح وسیع و گسترده رفتار ناهنجار و استعمارگرانه انگلیسی های به ظاهر عضو کمپانی، ترویج فساد و فحشا، تاسیس کلیساها و مدارس، استخدام بسیاری از مردان و زنان مسلمان و... بیانگر این است که کمپانی رژی و انگلستان با تحصیل این امتیاز خوابی همچون هند برای ایران دیده بودند و با این کارها به گونه غیرمستقیم می خواهند ایران را به سرنوشت هند دچار سازند و آن را به صورت یکی از مستعمرات خویش در آورند. این مساله آن قدر

واضح بود که عباس میرزا ملک آراء (برادر شاه) نیز با بدبینی به این قرارداد می نگرد و توطئه های پشت پرده آن را درک می کند:

انگلیسیان هم به ایران آمده مانند دولتی که ایران را فتح کرده باشند به تمام بلاد مامورین فرستادند و در هر بلدی سوار گرفتند که اجرای احکام آنان را نمایند و سوارها را با مواجب کافی و اسبان اعلی و اسلحه جدید مسلح نمودند... به طور مطلق کمپانی مختار و به قول حکماء: [وجود لاشرط] بود. چون میدان را به این شدت خالی و بی مانع دیدند با رعایا در کمال سختی معامله کردند و در هیچ محل اعتنائی به حکومت نکردند و از طرف امنای دولت که همه از کمپانی رشوه خورده بودند هر روز حکام ولایات اوامر صادر می شد که البته در پیشرفت کار امور مامورین کمپانی منتهای سعی را به جا آورند و از اهتمام و همراهی دقیقه ای فروگذار نکنند 32 .

این گزارش نشان می دهد که رویای پیوستن ایران به مستعمرات انگلستان در این دوره به سرعت به دست کمپانی رژی در حال تعبیر بوده است . کمپانی رژی در ایران نیز از همان شیوه ای که انگلیسی ها در تصرف هند و ایجاد کمپانی شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی داشتند استفاده می کردند. در آن زمان مقاله ای به قلم یکی از علماء نوشته شده و در میان مردم پخش شده است . نویسنده در این مقاله اهداف حقیقی کمپانی رژی را به گونه ای مشروح تبیین می کند. و ما به سبب طولانی شدن بحث از آوردن آن معذوریم ولی محققان را به مطالعه آن توصیه می کنیم 33 .

آغاز جنبش

امتیاز رژی به خاطر ماهیت استعماری باعث برخورد شدید و ریشه دار محافل مذهبی با استعمارگران و ایادی خائن آنان شد و عکس العمل هایی به دنبال داشت . و در نهایت با فتوای مرحوم شیرازی نهضت همگانی و پیروز شد.

در این که نهضت تنباکو از چه زمانی و از کجا و به وسیله ی چه گروهی شروع شد چگونه استمرار پیدا کرد سخن بسیار است . هر مولفی براساس افکار و اندیشه ها و گرایشهای سیاسی اجتماعی خویش به این واقعه نگریسته است . برخی آغاز حرکت را از تبریز و برخی از شیراز و برخی دیگر از تهران دانسته اند. عده ای هم بدون آن که از نقطه آغاز سخنی به میان آورده باشند به تشریح نهضت پرداخته اند. پزشک مخصوص ناصرالدین شاه دکتر فووریه می گوید:

[نخستین آشوبها در مه 1891 در پایتخت در گرفت و اندکی بعد دامنه هیجان به شهرهای بزرگ ایالات گسترش یافت] 34 .

ناظم الاسلام کرمانی پس از آن که از شروع کار کمپانی رژی در بلاد ایران و رفتار ناهنجار آنان سخن می گوید می نویسد:

بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدند... جمعی از عقلاء خدمت مرحوم حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی رسیده معایب متضمنه و منتشره در این کار را عرضه داشتند و هم به 35. علماء اصفهان ضرر و عاقبت امتیاز و نتایج مترقبه بر آن را نوشتند...

ناظم الاسلام سپس می افزاید: آشتیانی دست به کار شد و حرمت استعمال دخانیات را اعلام کرد و میرزای شیرازی آن را تأیید کرد.

احمد کسروی می نویسد:

[...از گام نخست مردم ناخشنودی نمودند و بازرگانان به میانجی گری امین الدوله به شاه نامه نوشتند و دادخواهی کردند ولی چون شاه و امین السلطان خودشان امتیاز را داده و هوادار آن بودند نتیجه ای از دادخواهی دیده نشد و از آن سوی چون کارکنان کمپانی به همه شهرها رفته و به کار پرداخته بودند

ناخشنودی فزونتر گردیده و کم کم رو به تکان و جنبش به خود گرفت . پیش از همه تبریز به کار برخاست ... پس از تبریز اسپهان به تکان آمد و پس از آن در تهران شور و جنبش پیدا گردید. در همه جا علماء پیشگام بودند. در تبریز حاجی میرزا جواد در اسپهان آقا نجفی و در تهران میرزای آشتیانی و دیگران پا در میان داشتند [36 ...

مرحوم کربلانی آغاز شورش و نهضت را از شیراز می داند و پس از آن که قضایای شیراز و درگیری مردم به رهبری علما و تبعید فال اسیری را نقل می کند:

[...از این پس کمپانی امتیاز وکلاء خود را به سایر ممالک محروسه نیز روانه داشته ... اکثر بلد عمده ... خالی از آشوب نبوده] 37

ما بر این باوریم که تحقیق و بررسی در این زمینه که نهضت دقیقا از چه زمانی و از کجا آغاز شد در عین حالی که مشکل است چندان مفید فائده نیست . مهم آن است که بدانیم این حرکت چگونه و به وسیله چه گروهی آغاز شد و چگونه استمرار پیدا کرد و به پیروزی نهایی رسید و... لذا ما به جای تحقیق و بررسی مبداء زمانی و مکانی نهضت به ذکر برخی از حوادثی که بیان کننده سوالات فوق است می پردازیم .

آنچه مسلم است این که : مردم به رهبری علماء در تمامی شهرها در مقابل این امتیاز عکس العملهای خشم آگینی نشان دادند.

شیراز و تبریز

در شیراز و تبریز مردم به رهبری علماء دروازه های شهر را به روی نمایندگان کمپانی بستند و اعلامیه های رژی را از دیوارها کردند و به جای آن نوشته های شورانگیزی نصب کردند.

علمای تبریز ضمن تلگرافی به شاه نوشتند:

[با کمال حیرت مشاهده می کنیم که پادشاه ما کافه مسلمین را مثل اسراء به کفار می فروشد... مسلمانان مرگ را بر زیردست شدن کفار ترجیح می دهند] 38 .

در تلگرافی دیگر نوشتند:

[42 سال است سلطنت می کنی محض طمع مملکت خودت را قطعه قطعه به فرنگی فروخته ای . خود دانی . اما ما اهالی آذربایجان خودمان را به فرنگی نمی فروشیم] 39 .

در تبریز کمپانی رژی دولت و ایادی آنان حریف مردم و علماء نشدند و با خشم و خروش مردم و رهبری روحانیت و پیشوایی میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی رو به رو و تسلیم شدند. و شاه مایوسانه ضمن تلگرافی به امیر نظام گروسی (پیش کار آذربایجان) اظهار می دارد:

[کمپانی می گوید: ... اما در کار آذربایجان هر نوع تسهیلات مردم بخواهند می دهم . اگر حرف آنها در فرنگی است مامورین فرنگی را بر می دارم سهل است خارج از مذهب هیچ نمی گذارم . کارهای آذربایجان را به خود آذربایجانی ها رجوع می کنم . هر کس را مجتهد تعیین کند... در وضع خریدن یا فروختن هر عیبی به نظر علماء آمده است بگویند رفع می کنم به طوری اصلاحات می دهم که خود مجتهدین راضی شوند. این است حرفهای کمپانی] 40 .

مردم و علماء باز هم مقاومت می کنند و در نتیجه کمپانی رژی تصمیم می گیرد که موقتا از آذربایجان صرف نظر کند.

در شیراز همزمان با ورود ماموران انگلیسی رژی بازار تعطیل شد و مردم در مساجد اجتماع کردند. رهبری مردم را در این حرکت عالم مجاهد سیدعلی اکبر فال اسیری برعهده داشت . فال اسیری بر فراز منبر شمشیری از زیر عبایش بیرون کشید و فریاد برآورد که :

[موقع جهاد عمومی است. ای مردم بکوشید تا جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم هر بیگانه ای را که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد] 41 . رژیم برای مقابله با نهضت با کسب تکلیف از مرکز به دستگیری و تبعید آن روحانی بزرگ مبادرت کرد و مردمی را که در اعتراض به این عمل جمع شده بودند به گلوله بست . روحانیون از رفتن به مساجد خودداری می کنند و مقاومت مردم همچنان ادامه می یابد.

اصفهان

در اصفهان مردم به رهبری سه عالم مجاهد: حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی، شیخ محمدعلی و ملا باقر فشارکی در برابر کمپانی رژی ایستادند. شاه ضمن دستورات اکید به کارگزاران خود در اصفهان برای مقابله با علماء و مردم ضمن تلگرافی به آقا نجفی می نویسد:

[بی جهت عالم آسوده را آشفته نکنید و مردم با خون خود بازی نکنند و آسوده مشغول دعاگوئی و رعیتی باشند] 42 .

اما علمای اصفهان با بی اعتنائی به تهدیدات شاه به مقاومت خود ادامه داده و استعمال دخانیات را تحریم می کنند. در گزارشی از تلگراف خانه اصفهان می خوانیم :

دیروز... آقا نجفی و شیخ محمدعلی اعلانات چندی درب مساجد چسبانیده استعمال تنباکو را حرام و حمایت کنندگان فرهنگی را مرتد و عمله جات دخانیات را نجس خوانده و نوشته اند: کسی از این جماعت را که دخالت در کار فرنگی دارند به حمام و مسجد و سقاخانه راه ندهند. در حمامها و قهوه خانه ها و مجالس علماء و تجار و غیره قلیان موقوف است . طلبه ها در هر نقطه که قلیان دیده اند شکسته اند... هر جا فرنگی دیده می شود مردم دنبالش کرده داد و فریاد راه می اندازند 43 .

حاکم اصفهان با هماهنگی حکومت مرکزی آزار و اذیت علماء را آغاز کرد و آنان را سخت تحت فشار گذاشت تا جائی که منیرالدین از علمای سرشناس بر جان خود ترسید و ناگزیر شبانه به نزد میرزای شیرازی در سامرا مهاجرت کرد.

مردم و تجار اصفهان همچنان به مقاومت خود ادامه می دهند تا جائی که عده ای تنباکوی خود را به جای فروش بین فقراء تقسیم می کنند و گروهی هم محصول خود را به آتش می کشند. 44

مشهد

در مشهد نیز مردم علی رغم تنگناهای مختلف از سوی کارگزاران حکومت، به رهبری حاج شیخ محمدتقی بجنوردی و حاج شیخ حبیب مجتهد شهیدی در برابر کمپانی رژی و هوس های عمال شاه ایستادند و تظاهرات مردم را جلودار بودند. 45

[به قدر هشتاد نفر طلبه در مسجد گوهرشاد جمع شده قدری زن داخل خودشان کرده بودند. یکی از آنها روی منبر رفته بعضی از نامربوط ها گفته سرکشیکان آستانه هر چه به آنها نصیحت کرده نشنیدند... تا دیشب ساعت پنج آنچه کرده اند که اینها را بیرون کنند فایده نکرده است] 46 .

تهران

اما در تهران خانه میرزا حسن آشتیانی محل تجمع مردم معترض به این قرارداد ننگین و ذلت آور بوده است . میرزای آشتیانی بارها با شاه و امین السلطان تماس می گیرد و درباره مزار و معایب امتیاز گفتگو می کند و لغو آن را از شاه می خواهد ولی شاه و دربار به این درخواست ها توجهی نمی کنند. از

این روی علمای تهران و دیگر شهرستانها از میرزای شیرازی مرجع بزرگ شیعیان استمداد می طلبند.

رهبری میرزای شیرازی در نهضت تنباکو

میرزای شیرازی رحمه الله علیه که به وسیله نمایندگان خویش در ایران و نامه های ارسالی از شهرهای مختلف و علمای تبعیدی : سیدعلی اکبر فال اسیری و منیرالدین و نامه سیدجمال الدین اسدآبادی در جریان حوادث ایران قرارداد ذلت بار رژی سرسختی رژیم شاه در طرفداری از قرارداد و ضرب و شتم مردم قرار گرفت و از طرفی می دانست که اگر در برابر امتیاز رژی ایستادگی نکند استعمارگران بر ایران اسلامی تسلط کامل خواهند یافت و اسلام و مسلمانان در خطری عظیم می افتند از این روی احساس تکلیف کرد و ورود در موضوع و پیکار با استعمار و صاحبان قدرت را وظیفه الهی خویش دانست و رهبری مبارزه را به دست گرفت .

موضع گیری گام به گام میرزا

از آن جا که میرزای شیرازی به جهاتی رویارویی با حکومت مرکزی ایران و فروپاشی آن را به مصلحت نمی دانست سعی کرد به گونه ای عمل کند که ضمن جلوگیری از این نوع کارها اقتدار حکومت مرکزی را که تنها حکومت شیعی است حفظ نماید. بر همین اساس در این ماجر مرحله به مرحله عمل کرد. در گام نخست تلاش کرد شاه و دست اندرکاران حکومت را از ادامه این راه باز دارد. لذا با لحنی نرم ولی هشدار دهنده تلگرافی برای شاه فرستاد که در مقدماتش مراعات احترامات معمول آن زمان شده بود. در بخشی از تلگراف چنین آمده :

[...نظر به توصل اخبار به وقوع وقایعی که سکوت از آن بر خلاف رعایت حقوق ملت و دین و دولت است معروض می دارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تردد آنها با مسلمین و اجرای عمل (انحصار) بانک و راه آهن و غیره از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است . چنانچه واقعه شیراز و قتل جماعتی از مسلمانان در حمایت حضرت احمد بن موسی علیه السلام و هتک آن بقعه مبارکه و تبعید جناب شریعتمدار حاج سیدعلی اکبر سلمه الله به وضعی ناشایسته نمونه ای از این نتایج است] 47 ...

تلگراف فوق توسط نایب السلطنه به شاه داده شد. 48 وعده پاسخ متقابل از جانب ناصرالدین شاه نیز به وسیله ایشان به مرحوم شیرازی مخابره گردید. 49 . البته هیچ وقت به آن وعده وفا نشد. از طرف دیگر پس از این تلگراف شاه از کار پرداز ایران در بغداد (مشیر الوزاره) می خواهد تا میرزا را نسبت به امتیاز تنباکو توجیه کند. وی برای انجام این کار به نزد میرزای شیرازی رفته و به تفصیل از اجبار دولت در واگذاری این امتیاز سخن می گوید و مزایای بسیاری برای آن ذکر می کند. از جمله :

ضرورت قرابت به دول اروپا برای استخلاص از روسیه تزاری، لزوم تقویت قشون و رفع نقائص کشوری و لشگری و کمبود بودجه و کافی نبودن مالیاتها، موهن بودن الغاء این امتیاز به سبب بی اعتبار شدن امضای شاه، وارد آمدن خسارات بیش از حد و عدم توان دولت در پرداخت آن و اساسا عدم امکان این عمل به جهت نقل و تحویل این امتیاز به چندین دست به طوری که هم اکنون طرف معامله چند دولت بزرگ است 50 .

هر چه مشیر الوزاره بیشتر از فوائد و منافع امتیاز سخن می گفت میرزا زیادتر اصرار در لغو آن می کرد. تا این که میرزا در پایان با روشن بینی تمام و مطرح کردن توانایی مردم در رویارویی با انگلیس و با اشاره به جدایی بین خواست مردم و تصمیم دولت فرمود:

[...] نگذارید کارتان به آن جا بکشد که وقتی ملجا شوید و بخواهید دست توسل به دامن ملت بزنید ملت را دیگر دامنی به جا نمانده باشد. هنوز تا وقت است دولت را اگر در حقیقت دفع این فتنه و رفع این غائله ممکن نیست به ملت واگذار کند تا ملت خود درصدد رفع این غائله برآید. دولت اگر از عهده جواب بیرون نتواند آمد ملت از جواب حسابی عاجز نیست. خصم را از عهده جواب بیرون خواهد آمد.] و بالاخره در مقابل تاکید مجدد مشیرالوزاره بر ضعف دولت چنین تهدید می کند: اگر دولت از عهده بر نمی آید من به خواست خدا آن را بر هم می زنم. 51

مجددا مرحوم میرزا تلگراف دومی می فرستد که لحنش تندتر از اولی است. که بخشی از آن را در ذیل می آوریم:

[سابقا دعاگو عریضه ای تلگراف در باب مفاسد مداخله خارجی در داخله مملکت ایران به حضور مبارک عرضه نموده بود جوابی از جانب اولیاء قوی شکوت نقل نمودند که کاشف بود از این که به مفاسد اجرای این امور حق التفات نفرمودند. چون اغماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود لهذا ثانیاً به عرض حضور مبارک می رساند که مفاسد انفاذ این امور به مراتب اعظم از مفاسد صرف نظر از آنهاست. کدام مفسده است که با اختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرقه کلمه رعیت و یاس آنها از مراحم ملوکانه برابری می کند. چگونه می شود که در قرون متطاولة اولیاء دین مبین و سلاطین مسلمین شکرالله تعالی مساعیهم با آن که ائتلاف نفوس و بذل اموال خطیره در اعلاء کلمه اسلام فرمودند به اندک فایده یا ترقب و ترتب مفسده از تمام اغماض نموده و کافرین را بر وجوه معایش و تجارات آنها مسلط کرد تا بالاضطرار به آنها مخالطه و مراوده کنند و به خوف یا رغبت نوکری آنها را در اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران به کفر قدیم خود برگردند. البته شدت اضطراب و وحشت رعیت و استنکاف علماء اعلام را در انفاذ این امور به عرض مبارک نرسانیده و بر دولت اغفال نموده اند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد هر چند منجر به ائتلاف نفوس شود و الا از حزم خسروانه متوقع و مامول نبود رضا دهند رعیت که فی الحقیقه خزانه عامره دولتند بالمره از وجوهات تجارت و مکاسب خود مسلوب الاختیار و مقهور کفار باشند] 52

ناصرالدین شاه تلگراف دوم میرزا را با لحن بی ادبانه ای که ناشی از عصبانیت وی بوده چنین پاسخ داده است:

[جناب! تلگراف شما به حضور ما رسید. تلگرافی هم سابق کرده بودید. جواب آن را مفصلاً به توسط میرزا محمود خان مشیرالوزاره کارپرداز سابق بغداد به آن جانب فرستادیم. البته تماماً را حالی و خاطر نشان آن جناب کرده است و اگر تکلیف باشد چون جوابهای این اظهارات شما خیلی مطول است که مطالب حالی آن جناب شود البته بهتر است که با تلگراف (شاید پست باشد) داده شود. به جناب امین السلطان فرمودیم که: فرمان ما را مفصلاً با پست به زودی به آن جناب بنویسد خواهد فرستاد. البته بعد از ملاحظه آنها خواهید فهمید که دولت هرگز شان و استقلال و حفظ ناموس و منافع و آزادی رعیت خود را به دیگران نداده است. و در کمال سختی نگاه داشته است و خواهد داشت ان شاء الله تعالی] 53 .

روشن است که نصایح میرزای شیرازی به گوش شاه و دربار نرفته. ناصرالدین شاه به هیچ وجه در صدد لغو این امتیاز نیست. پاسخ های منفی شاه و اولیای امور به علماء و مردم به اعتراضات و حرکت های انقلابی مردم شتاب بیشتری داد. فکر مقاومت منفی در حال شکل گرفتن بود. این جا و آن جا سخن از تحریم بود. حرکت های آغازین در اصفهان از جاهای دیگر متشکل تر و عملاً موثرتر بود. شیخ حسن کربلایی می نویسد:

[.... علماء اعلام اصفهان كثر الله امثالهم خودشان را بالمره ممتنع کرده و مسلمانان را نیز نهی فرمودند. مردمان معقول و متدین را منع ایشان پذیرفته افتاد. روی هم رفته کلمه ایشان در اصفهان و توابع اصفهان پیشرفت و نفوذی یافت] 54 .

تلگراف های متقابل شاه و میرزای شیرازی، اعتراض علماء شهرستانها، شورش مردم، وقت گذارنی شاه و دربار، و همچنین زمینه های مبرم برای تحریم تنباکو که نشانه های آن در درخواست های مکرر علماء و مردم به چشم می خورد و در بخشی از کشور به کار گرفته شد و به عنوان سیاست منطقه ای موفق تلقی گردید سرانجام میرزا را بر آن داشت حکم به تحریم تنباکو را در عبارتی کوتاه و به شیوه ای موثر و محرک صادر کند:

بسم الله الرحمن الرحيم

[الیوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است].

حرره الاقل محمد حسن الحسینی

این فتوا که از چنان مرجعی بزرگ صادر شده بود اهمیت بسیار یافت زیرا مردم با این حکم به تکلیف شرعی و به وظیفه دینی خود پی بردند و درصدد انجام عمل به تکلیف برآمدند.

سرعت گسترش

این حکم ظرف مدت کوتاهی در سراسر ایران منتشر شد چرا که مردم حتی بی سوادها انتشار آن را وظیفه شرعی خود می دانستند.

کربلائی می نویسد:

[بالجمله سواد این حکم مبارک در همان نیمروز همه جا حتی در اقصی بلد ایران منتشر شد... صبح روز بعد در تمامی ایران هیچ کس از مرد و زن، کوچک و بزرگ، برزگر و تاجر نمانده بود که اطلاع و آگاهی از تفصیل این حکم نیافته باشد] 56 ...

حوزه نفوذ فتوا

پس از انتشار حکم تحریم همه طبقات مردم مسلمان حتی افراد غیر مسلمان و حتی حرمسرای ناصرالدین شاه از این حکم پیروی کردند:

[این حکم جهان مطاع چنان نفوذی در دلها یافته بود که همه اصناف دارالخلافه با همه آن طبایع مختلف و آراء چنان در کمال تمکین و انقاید همگی بر سر این نقطه متفق و مجتمع شدند که تا عصر جمعه در تمامی ایران از هیچ نقطه و محلی دود چپق و قلیان بلند نمی شد حتی در حرمهای پادشاهی، ادارات دولتی، سرای دیوانیان، قهوه خانه ها و سربازخانه ها نیز بالمره دود دخانیه برداشته شد] 57 .

حکم تحریم ، دربار شاه و اندرون و حرمسرای وی را نیز در بر گرفت به نحوی که :

[در آبدارخانه و حرمسرای ناصرالدین شاه تمام خواجه ها و غلامان قلیانها و سرقلیانها را شکسته برای اطلاع شاه در جلو خوابگاه همه را جمع کردند... شاه به اندرون انیس الدوله که در واقع ملکه و بی اندازه مورد علاقه و توجه ناصرالدین شاه بود وارد شد در حالی که کلفتهای انیس الدوله مشغول پیاده کردن سرقلیانهای نقره و طلاک مرصع بودند و خود انیس الدوله ناظر به عمل خدمتکاران بود. شاه از انیس الدوله پرسید:

خانم چرا قلیانها را از هم جدا و جمع می کنند؟

جواب داد: برای آن که قلیان حرام شده .

ناصرالدین شاه روی در هم کشیده با تغییر گفت : که حرام کرده ؟
انیس الدوله هم با همان حال گفت : همان کس که مرا به تو حلال کرده است .
شاه هیچ نگفت و برگشت و برای آن که مبادا به احترامش لطمه ای وارد آید بعد از آن به هیچ یک نوکران خود دستور نمی داد که قلیان بیاورند. در تمام دربار قلیانها را جمع کردند [58 .
[...از قهوه خانه سلطنتی هم دخانیه برداشته شد. به جایی رسید که یهود و نصاری نیز به متابعت از اسلام دخانیه را در ظاهر متارکه نمودند] 59 .
نفوذ حکم به حدی بود که حتی افراد بی قید نسبت به دین هم پیروی از آن حکم را بر خود لازم دانستند. معروف است که عده ای از شراب خوارها گفته بودند:
[ما شراب را علانیه و بر ملا می خوریم و هیچ باکی نداریم ولی چپق را تا آقای میرزا حلال نکند رو نخواهیم آورد] 60 .

نفوذ حکم از دیدگاه خارجیان

دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه در این باره می نویسد:
[فتوایی که از عتبات رسیده و به مردم امر شده که برای برچیدن بساط کمپانی از استعمال دخانیات خودداری کنند این فتوا با انضباط تمام رعایت شده . تمام توتون فروشان دکانهای خود را بسته و تمام قلیانها را بر چیده اند و احدی نه در شهر نه در میان نوکران شاه نه در اندرون او لب به استعمال دخانیات نمی زند] 61 .
یک ناظر فرانسوی در آن زمان چنین گزارش می دهد:
[ناگهان همه تجار تنباکو دکان خود را بستند. همه قلیانها کنار گذاشته شد و دیگر کسی سیگار نکشید]
62 .

سفر شوری که از اقدامات بعدی میرزای شیرازی در هراس بوده می گوید:
[رئیس اسلامیان ... دو کلمه در خصوص منع مسلمانان نوشت و فرستاد. این نوشته به محض وصول در ظرف نیمروز در این شهر بدین عظمت همه جا منتشر گردید و به محض انتشار این یک - دو کلمه نوشته تمام مسلمانان با این که صحت و صدق این نوشته بر اکثر و اغلب ایشان محقق نشده بود منتهی به احتمال این که شاید صحیح باشد این چنین عادت پانصد ساله را به یک دقیقه چنان که می بیند متارکه نمودند] 63 ...

عکس العمل حکومت و کمپانی رژی

استعمار انگلیس شاه و درباریان که به پیامد فتوا توجه داشتند به هرگونه نیرنگ و فریبی به منظور جلوگیری از انتشار و آگاهی مردم از این حکم دست زدند. بلافاصله پس از صدور حکم ماموران حکومت ! وظیفه یافتند به هر نحوی که شده از انتشار حکم جلوگیری کنند. وقتی که در همان نصف روز اول در تمام ایران منتشر شد وظیفه یافتند که با مساعدت معدود روحانی نمایان و وعاظ السلاطین درباری شایع کنند فتوا جعلی است و از طرف دیگر سیستم حفاظت و اختناق را به شدت گسترش دادند تا هرگونه ارتباط مردم و علماء را با میرزای شیرازی قطع کنند.
اما این اقدامات نیز تاثیری در جوش و خروش مردم نگذاشت . لذا شاه و درباریان با توسل به نیرنگی دیگر (تفرقه میان علماء) دست به دامن برخی از علماء نجف و علمای داخلی ایران شدند. امین السلطان برای این منظور چند نفر از جمله : علاءالدوله را به عراق می فرستد ولی اقدامات آنان کوچکترین تاثیری در علمای نجف نمی گذارد و همگی در پاسخ می گویند:

[آنچه را میرزای شیرازی فرموده اند حکم است نه فتوا و اطاعت آن بر همه لازم است] 64 .
 از سوی دیگر نایب السلطنه نیز در تهران با میرزای آشتیانی ملاقات می کند و می گوید:
 این حکم از طرف میرزای شیرازی صادر شده او مجتهد است و شما 65. مجتهد. دولت از شما خواهش می کند به اباحه و تجویز دخانیات حکم کنید.
 میرزای آشتیانی همچون علمای نجف، شاه و درباریان را به کلی مایوس می کند که حکم میرزای شیرازی را جز خود او نمی تواند تغییر دهد و اضافه می کند:
 [این حکم اصلاح بر نمی دارد باید متوقف شود... این امتیازات باید برگردد و تا برنگردد میرزا آرام نمی گیرد] 66 .

استمداد از علماء در ارائه راه حل

بالاخره رژیم مجبور می شود که از علماء برای حل این مشکل استمداد کند. به دستور شاه رجال دولت با برخی از علمای مشهور 67 جلسه ای تشکیل می دهند تا راه حلی برای این غائله پیدا کنند. در ابتدا امین السلطان درباره منافع انحصار دخانیات و عدم مخالفت آن با قوانین شرع و لزوم همراهی علماء با دولت سخنانی ایراد می کند و سپس با ارائه عین امتیازنامه می گوید:
 [بر حسب امر همایونی شما که علمای شریعت و اولیای ملتید مواد امتیازنامه را ملاحظه بفرمایید و هرگونه تعهد و شرطی را که دولت به موجب این امتیازنامه بر خلاف مقاصد ملت و احکام شریعت ملتزم گردیده تغییر دهید].

و با خواندن اولین جمله از امتیازنامه علماء می گویند:

[التزامی که از این امتیازنامه برای مردم ایجاد می گردد بر خلاف احکام اسلام و مخالف] الناس مسلطون علی اموالهم [می باشد].

دولتیان هر چه کوشش کردند که برای تخلص از این اشکال راهی پیدا کنند ممکن نشد. امین السلطان که دید از راه مذاکره و مسالمت نمی توان به جایی رسید شروع به تهدید می کند:
 [آقایان! بی پرده می گویم: اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صریحا فرموده اند: تغییر و تبدیل این عهدنامه از هیچ روی ممکن نیست. این معنی محال و ممتنع است. شما از این معنی صرف نظر کنید و فکری دیگر بکنید].
 علماء نیز در جواب می گویند:

ما هم بی پرده می گوئیم: حرام شریعت را از هیچ رو نتوانید حلال نمود. مساعدت با دولت درخصوص این عهدنامه از ما نیز محال و ممتنع است. اگر غرض دولت در عقد این مجلس تدبیری برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است شما خود می دانید که در این منع ما را از هیچ رو مدخلیتی نبوده و نیست. این حکم از جانب رفیع الجوانب حضرت حجه الاسلام نایب امام میرزای شیرازی است. و حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است... ما نیز در این خصوص مثل آحاد مردم اطاعت نمودیم. پس از آن مشیرالدوله به تهدید عالمان در مجلس پرداخته و می گوید:
 [آقایان این امر برای شما خوبی ندارد].

لغو امتیاز سخن آخر

پس از آن که جوابی متناسب با تهدیدات به مشیرالدوله داده می شود طباطبائی یکی از عالمان حاضر در مجلس می گوید:
 [باید انحصار دخانیات لغو شود و خسارت دولت را باید کسانی بپردازند که از انگلیسی ها رشوه گرفته

[اند] 68 .

امین السلطان بنا به مصلحت موضوع صحبت را به صحت و سقم فتوا کشانده و علماء که در انتساب این فتوا به میرزای شیرازی بزرگ شک نداشتند برای تایید سخن خویش به نخستین تلگراف میرزا اشاره کرده و فرمودند:

[حکمی را که این تلگراف متضمن است به مراتب شدیدتر از حکم جدید است زیرا در آن عمل انحصار را مخالف با صریح قرآن و محاربه با خدای تعالی دانسته و حال این که در این حکم تازه مخالفت و محاربت با امام زمان (ع) می داند] 69 .

وقتی شاه و درباریان تمام نیرنگها را به کار بستند و حتی از سیاست تهدید و ارباب و توسل به خشونت طرفی نبستند و هر چه کردند علماء و مردم را مصمم تر و مقاوم تر از پیش دیدند به فکر لغو امتیاز و تسلیم در مقابل خواسته های علماء و مردم افتادند.

سرانجام در حالی که فقط دو هفته از صدور حکم تحریم می گذشت شاه به الغای انحصار داخلی توتون و تنباکو پرداخت . با تشکیل جلسه ای (به فاصله یک هفته از جلسه اول) ضمن ابلاغ حکم دولت خطاب به علماء گفتند:

[با دولت انگلیس گفتگوها کردیم و بالاخره قرار بر این شد که امتیاز داخله مملکت ایران بالمره برداشته شود... جای دیگر بروید به مساجد و در منابر صریحا اعلام به حیلت دخانیت بدهید و از مراحم دولت که اطاعت ملت نموده و امتیاز را برداشت تشکر و قدردانی نمایید] 70

علماء باز هم مقاومت می کنند و می گویند: هنوز پای مداخله فرنگی در میان است و خواستار لغو کامل امتیاز می گردند. 71 ولی با اصرار وزراء و تجار حاضر در مجلس قرار بر این می شود که شرح ما وقع به میرزای شیرازی تلگراف شود. 72 ولی به جای آن تلگرافی با محتوایی دیگر با پیک مخصوص از بغداد برای میرزای شیرازی ارسال می گردد] 73 . اطلاع می دهند. 74 جناب میرزا پس از تشکر از لغو امتیاز داخلی خواستار قطع ید خارجی بالمره نه تنها در مساله تنباکو می شود 75 پس از گذشت یک هفته از نشست امین الدوله با علماء زمزمه های جهاد علیه دستگاه بالا می گیرد و اعلامیه هایی بدین مضمون بر در و دیوار شهر نصب می شود....

برحسب حکم حجه الاسلام آقای میرزای شیرازی اگر تا 48 ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم دوشنبه آتیه جهاد است . مردم مهیا شوید. 76

این شایعه به زودی در همه شهر منتشر می شود. مردم در صدد تدارک و تهیه سلاح می افتند. فرنگیان مقیم تهران : سفراء و غیره مضطرب و پریشان می شوند و از دولت برای حفظ جان خویش کمک می خواهند. اولیاء دولت شاه و حرمسرای سلطنتی از این درخواست خارجیان به هراس می افتند. با این که شایعه تکذیب می شود خارجیان دسته دسته چادر به سر از شهر می گریزند.

شاه نامه تهدید آمیز و بی ادبانه ای به میرزای شیرازی می نویسد. 77

آن نامه از طرف ایشان پاسخ داده شد. شاه عقب نشینی کرد نامه ای ملاطفت آمیز به میرزا نوشت . 78 میرزا نیز در جواب پس از تعارف معمول آن زمان نوشتند:

[لکن مساله قلیان را... نباید معترض شد که بر امر به شرب و استعمالش جز ترتب مفسده ثمره ای

مرتب نخواهد شد و تا مردم مشاهده حکم تجویز و تحلیل از آقای حجه الاسلام میرزا سلمه الله ننمایند مرتدع نخواهند گردید] 79 .

از سوی دیگر شدت اوضاع و تنگناهایی که برای فرنگیان پدید آمده بود باعث شد که مسوولین کمپانی از سوی سفراء و سیاسیون اروپا در ضیافتی که سفیر روس راه انداخته بود 80 تحت فشار قرار گیرند.

رئیس کمپانی امین السلطان را در اتخاذ دو راه مخیر می سازد: لغو امتیاز و پرداخت خسارت لغو تحریم و

آرام کردن مردم . شاه و امین السلطان شق دوم را برمی گزینند. 81

برای وادار کردن علماء بویژه میرزای شیرازی به لغو تحریم با دسیسه امین السلطان و به درخواست رئیس کمپانی و با فتنه یکی از روحانی نمایان حکم تبعید میرزای آشتیانی در دستور کار قرار می گیرد. از جانب شاه به ایشان ابلاغ می شود که : [یا در مجالس و مناظر مردم را به کشیدن قلیان رخصت می دهید یا از تهران خارج می شوید].

او نیز با صراحت و قاطعیت تمام می گوید:

نقض حکم حجه الاسلام میرزا از هیچ رو برایم ممکن نیست ولی از تهران می روم . 82. امروز را مهلت دهید تا وسیله سفر فراهم کنم . فردا البته خواهم رفت .

با شنیدن این خبر بسیاری از مردم و علماء خود را برای همراهی و مهاجرت آماده می کنند. روز بعد شهر تهران یک پارچه تعطیل می شود. مردم دسته دسته با پیشتازی روحانیت به خانه میرزای آشتیانی سرازیر می شوند. نزدیک ظهر جمعیت به سوی ارگ سلطنتی راه افتادند. زنان نیز در این حرکت شرکت کردند. هر دکانی را باز دیدند بستند و پس از آن با شعارهای تند روانه میدان ارگ شدند و فریاد می زدند:

[ای خدا می خواهند دین ما را ببرند علمای ما را بیرون کنند تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند بر جنازه ما فرنگیان نماز گذارند] 83 .

نائب السلطنه خطاب به زنان با کمال ملاحظت و ملائمت گفت :

[همشیره ها فرنگی را بیرون می کنیم هیچ یک از علماء را نمی گذاریم بیرون بروند خاطرتان جمع باشد] 84

از این پس زنان خشمگین به مسجد شاه رفتند و امام جمعه داماد شاه که مشغول تهدید مردم بود از منبر به زیر کشیدند و دو مرتبه به جانب ارگ برگشتند و.....

عمال شاه که از هراس آرام نداشتند به تعجیل توپها و تفنگها را آماده کردند... بالاخره عبدالله خان والی مامور می شود که نزد میرزای آشتیانی برود و به او بگوید:

[منظور شما چیست ؟ هر چه می خواهید بگویید تا شاه انجام دهد].

میرزا در جواب لغو کامل امتیاز را خواستار می شود. پس از ابلاغ پیام میرزا، ناصرالدین شاه فوری با دستخط خود به نایب السلطنه می نویسد:

[نایب السلطنه امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور به کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزا برسد] 85 .

با اینکه فرمان برای مردم خوانده شد ولی از آن جایی که مردم اعتمادی به گفته های دربار نداشتند به تظاهرات و شورش خود ادامه دادند.

معین نظام نیز به سربازان ترک فرمان آتش داد. آنان به طرفداری از علماء و مردم از این فرمان

سرپیچیدند. معین نظام از [فوج بی پدران] کمک گرفت و مردم معترض را به گلوله بست . عده ای از

مردم کشته شدند. 86 عدم آمادگی کامل مردم برای مقابله با آتش و جنون عمال شاه میرزای آشتیانی را واداشت تا مردم را به استقامت و اجتماع در مسجد جامع فرا خواند. از طرف دیگر پیک های شاه مدام

به خانه میرزای آشتیانی در رفت و آمد بودند. به نوشته نیکی . ر.کدی:

[میرزای آشتیانی که از پذیرش هدایای شاه که برای استمالت او فرستاده بود خودداری ورزید ختم

غانله را در گرو سه پیشنهاد اعلام داشت :

1. دادن خونبهای مقتولین .

2. مصونیت دیگر کسانی که در تظاهرات شرکت جسته بودند.

3. برچیدن کلیه امتیازهای خارجی] 87 .

با این که شاه تسلیم شده بود ولی چون به وعده های شاه و درباریان چندان امید نبود میرزا اصرار کرد که شرکت انگلیسی باید راسا لغو انحصار را اعلام کند. شاه نیز بی قید و شرط می پذیرد و از سفیر انگلیس برآوردن این خواسته ها را می طلبد.

رئیس کمپانی طی اعلانی که سند درخشانی برتسلیم وطن فروشان و پیروزی مردم و روحانیت است می نویسد:

[چون اعلان دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه منو پول و انصهار دخانیات را کلیتا از داخله و خارجه موقوف فرمودند و به من رسما نوشتند لهذا به عموم تجاری که به اداره مرکزی تنباکو و توتون فروخته اند اعلان می نمایم هرکس بخواهد تنباکو و توتون خود را پس بگیرد اداره دخانیات رفته و قیمتی را که برای آن دریافت نموده رد کنند و جنس خود را تحویل بگیرند] 88 .

چند روزی از این واقعه گذشت مجددا امین السلطان به میرزای آشتیانی پیام داد:

[حالیا که امتیاز بالکلیه رفع شده چرا رخصت نمی فرمایید تا مردم قلیان بکشند؟]

میرزای آشتیانی در پاسخ همان جواب های پیشین را تکرار کرد که :

[.... وضع این حکم از من نبوده تا رفع آن نیز از من و به دست من باشد. منبع این حکم از حضرت حجه الاسلام بوده ... رفع این منبع نیز همان موکول به خود جناب ایشان است] 89 .

شاه و درباریان از آشتیانی و دیگر علماء که پایان کار را به حکم میرزای شیرازی مربوط می دانند می خواهد که ضمن تلگرافی حکم به اباحت تنباکو را خواستار شوند. در عین حال که تلگراف هایی از علماء به ایشان مخابره می شود ولی رهبر دوراندیش و هشیار قیام، میرزای بزرگ برای بستن هرگونه راه نیرنگ و فریب در لغو تحریم شتاب نمی کند و نامه ای به میرزای آشتیانی می نویسد که در بخشی از آن چنین آمده است:

[.... چون تلگراف در این وقت محل اعتماد نیست متوقع آن که : به خط شریف تصریح فرموده که

اختصاص بالکلیه از داخله و خارجه به حسب واقع از ایران مرتفع و دست اجانب را از این عمل بالمره قطع نموده اند و احتمال عود و تبدیل و تبعیض به هیچ وجه نیست تا سبب خاطرجمع می این جانب شود و الا به موجب شریعت مطهره استعمال دخانیات جایز نیست و حکم به حرمت کما فی السابق برقرار است و تغییر نخواهد یافت] 90 .

محمد حسن الحسینی

و تلگراف دیگری محرمانه به میرزای آشتیانی مخابره می کند و در آن جا ضمن دستوراتی که از بینش سیاسی وی سرچشمه می گیرد تصریح می کند که تا تفصیل مطلب بر احقر معلوم نشود اذن نخواهم داد. 91 دولتیان نیز در برابر این همه دوراندیشی دیگر یارای فریب کاری نداشتند. بالنتیجه حکم تحریم پس از 55 روز از سوی علماء با استناد به میرزای شیرازی لغو شد. 92 ادامه دارد ...

پی نوشت :

1. عصر بی خبری یا 50 سال استبداد در ایران تیموری .89.

2. در زمینه امتیازات واگذاری از جانب شاه به انگلیس و روس ر.ک : میراث خوار استعمار دکتر مهدی بهار .506 تا 524 ایران در برخورد بااستعمارگران دکتر سیدتقی نصر .360 تا 379.

3. دولت روسیه دراختیارات دراکثر موارد بی واسطه و مستقیم به میدان می آمد ولی انگلیس همواره یکی ازاتباعش را به عنوان طرف قرارداد معرفی می کرد منتهی هر وقت منافع این افراد یا کمپانیها به

خطر می افتاد انگلیس وارد میدان می شد.

4. وقتی که دولت ایران درصدد رفع شورش بر آمد انگلیسیها به بهانه حفظ امنیت خطوط تلگرافی به مخالفت برخاستند. و گلداسمیت را میان دولت مرکزی و یاغیان تحریک شده بلوچ حکم قرار دادند و در نتیجه نیمی از بلوچستان جدا شد و کشوری به نام کلات ایجاد شد و هم اکنون متصل به پاکستان است. در سال بعد (1288 ه) با حکمیت این شخص نیمی از 506 ایالت سیستان منتزع و به افغانستان متصل شد. میراث خواراستعمار
5. میراث خوار استعمار. 504.
6. همان مدرک. 508.
7. عصر بی خبری یا 50 سال استبداد در ایران. 91.
8. ایران در برخورد با استعمارگران. 361 دکتر سید تقی نصر.
9. ک: عصر بی خبری یا 50 سال استبداد در ایران. 91 به میراث خواراستعمار. 515.
10. میراث خواراستعمار. 507. رشوه خواری ملکم و سپهسالار راز قول اعتمادالسلطنه کتاب از گاتها تا مشروطیت محمدرضا فشاهی. 443 نیز آورده است.
11. فریدون آدمیت و کسروی و بسیاری از قلمزنان به اصطلاح روشنفکر به عنوان مردی اصلاح طلب و ترقیخواه از وی تمجید و ستایش به عمل آورده اند. فریدون آدمیت می نویسد:
میرزا حسین خان به نیت احیاء اقتصادی و عمران ایران امتیاز کشیدن خط آهن را در ایران از رشت به تهران و از پایخت به خلیج فارس به یک نفر از اتباع خود به نام بارون جولپوس رویتز واگذار کرد... میرزا حسین خان و دوست هم مشرب قدیم او میرزا ملکم خان مدافع و پشتیبان جدی این طرز فکر بودند و مخصوصا ملکم که اکنون مستشار صدرات اعظمی است در تنظیم امتیازنامه رویتز دست قوی داشت . .
ملایان متعصب ... به پیشوائی حاج ملا علی کنی میرزا حسین خان را مرد بی دین و کارهای ترقی خواهانه او را محصول کارخانه فرنگ و خلاف شرع شمردند.
فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت آدمیت. 87 و 90.
12. میراث خواراستعمار. 508.
13. همان مدرک. 508.
14. این امتیاز عبارت بود از: امتیاز کل معاملات بالاتاری و استقرارهای عمومی بالاتاری و ترتیب کمپانیهای لاتاری و فروش بلیطهای لاتاری و بازبهای عمومی بالاتاری از قبیل چرخ رولت. در کل ممالک ایران به مدت 75 سال به طور انحصاری. میراث خواراستعمار. 513.
15. ر.ک: قرارداد رژی. 1922.
- برخی از جمله: کربلائی تاریخ قرارداد را 1308 و برخی از جمله: فوریه 1307 ذکر کرده اند. ظاهرا 1307 درست است.
16. قرارداد رژی. 150.
17. ظاهرا 1307 درست است.
18. تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی ج 1. 19.
19. قرارداد رژی. 1819 تحریم تنباکو تیموری. 2425.
20. همان مدرک. 19. تیموری در کتاب: تحریم تنباکو. 26. مشروح سخنان شاه را در این باره آورده است.
21. تحریم تنباکو. 177. دنیس رایت در کتاب انگلیسی ها در میان ایرانیان. 217 دو رشوه سنگین پرداختی به شاه وامین السلطان را آورده است.

22. سه سال در دربارایران .312.
23. قرارداد رژی 150. تاریخ بیداری ایرانیان ج 1.57.
24. شرح عباس میرزا ملک آراء .114.
- 25 در محل خزانه داری جنب بانک ملی خیابان فردوسی که پیش از آن منزل محمودخان کلانتر بوده است .
26. قرارداد رژی .30.
27. همان مدرک .25.
28. همان مدرک 25. تحریم تنباکو زنجانی 32.
29. همان مدرک 25. تحریم تنباکو زنجانی 32.
30. قرارداد رژی 28. تحریم تنباکو زنجانی 34.
31. تحریم تنباکو زنجانی 61 قرارداد رژی .2825.
32. شرح حال عباس میرزا ملک آراء .114.
- میرزای شیرازی شیخ آقا بزرگ تهرانی ملحقات 238. تحریم تنباکو تیموری 43.
33. تاریخ بیداری ایرانیان ج 1.47 قرارداد رژی .7478.
34. دین و دولت .309.
35. تاریخ بیداری ایرانیان ج 1.19.
36. تاریخ مشروطه ایران احمد کسروی .21.
37. قرارداد رژی 30 تا 32.
38. میرزای شیرازی ملحقات .241. به نقل از روس وانگلیس در ایران فیروز کاظم زاده .243.
39. پیکار پیروز تنباکو .42 به نقل از خاطرات اعتماد السلطنه .766.
40. اسناد سیاسی دوران قاجاریه .19.
41. تحریم تنباکوابراهیم تیموری .69.
42. پیکار پیروز تنباکو نهاوندیان .47. به نقل از زندگی خاطرات سیاسی اتابک اعظم .
43. اسناد سیاسی دوران قاجاریه ابراهیم صفایی .40.
44. سه ساله در دربارایران فوریه 319. تحریم تنباکو تیموری .79.
45. دین و دولت حامدالگار ترجمه ابوالقاسم سری .312.
46. اسناد سیاسی دوران قاجاریه .44.
47. قرارداد رژی .40. کربلائی زمان این تلگراف را در ذی حجه 1307 می داند.
48. همان مدرک .41.
49. همان مدرک .41.
50. مشروح سخنان مشیرالوزاره را مرحوم کربلائی آورده است . قرارداد رژی .4342.
51. همان مدرک 44 تحریم تنباکوابراهیم تیموری .89 و 90. قسمت آخر را کربلائی نیاورده است .
52. همان مدرک 44 تحریم تنباکو زنجانی 84. تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام .24.
53. همان مدرک .49.
54. همان مدرک .56.
55. همان مدرک 55. تحریم تنباکو زنجانی .100.
56. تحریم تنباکو زنجانی 101. قرارداد رژی .69.
57. همان مدرک 101. قرارداد رژی .70.

58. تحریم تنباکو تیموری 104 و 105.
59. تحریم تنباکو زنجانی 103. قرارداد رژی. 70.
60. قرارداد رژی. 70.
61. سه سال در دربار ایران خاطرات دکتر فوریه. 323.
62. همان مدرک. 20.
63. قرارداد رژی. 105.
64. تحریم تنباکو تیموری 119 و 120.
65. قرارداد رژی. 81.
67. از علماء: میرزای آشتیانی سیدعلی اکبر تفرشی آقا شیخ فضل الله نوری امام جمعه سیدمحمد رضا طباطبائی ملا محمدتقی کاشانی و سیدعبدالله بهبهانی واز جانب شاه : نایب السلطنه وزیراعظم امین السلطان امین السلطنه امین الدوله مشیرالدوله قوام الدوله مخبر الدوله دراین جلسه شرکت داشتند.
66. میرزای شیرازی ملحقات. 260. کربلایی در قرارداد رژی می گوید: جواب سختی داداما نوع جواب را مشخص نمی کند.
68. قرارداد رژی. 84 تا 87 تحریم تنباکو تیموری سخنان طباطبائی را کربلایی نیاورده است .
69. همان مدرک .
70. همان مدرک. 88 و 89.
71. همان مدرک. 89.
72. همان مدرک. 90.
73. همان مدرک. 91.
74. همان مدرک. 96 تا 99.
75. همان مدرک. 99.
76. همان مدرک. 99.
77. همان مدرک . کربلایی عین نامه را نیاورده و می گوید: چون آن نامه را شاه پس گرفت متن آن در دسترس نیست . ولی بعدا دیگران متن آن نامه را آورده انداز جمله: سه سال در دربار ایران 18. تحریم تنباکو تیموری. 135.
78. قرارداد رژی. 101.
79. همان مدرک. 102.
80. همان مدرک. 104 تا 107.
81. همان مدرک. 108 و 109.
82. همان مدرک. 109.
83. تحریم تنباکو زنجانی 185. قرارداد رژی. 112.
84. قرارداد رژی. 112.
85. قرارداد رژی. 114.
86. فوریه تعداد کشته ها را 7 نفر و زخمی را 20 نفر می داند. 333 و 335. کربلایی می نویسد: عدد کشته ها مشخص نشد...از یازده نفر کمتر نگفته اند. سی و پنج و هفده نیز گفته اند. 117.
87. میرزای شیرازی ملحقات به نقل از تحریم تنباکو در ایران نیکی . ر. کدی . 140.
88. همان مدرک. 270.
89. قرارداد رژی. 123.

90 همان مدرک .129.

91 همان مدرک .134.

92 میرزای شیرازی 272، پیکار پیروز تنباکو 92، قرارداد رژی 136.

منبع: سایت حوزه

تنباکو و پیامدهای آن فتوای تحریم (2)

پیامدها

نهضت تحریم تنباکو که با ماهیتی ضداستعماری وانگیزه های اسلامی و به رهبری روحانیت بویژه میرزای شیرازی صورت گرفت به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید. ماهیت استعمار و به گفته شیخ حسن کربلایی حال و خیال مردم مزور و محیل فرنگستان بر ملت و دولت ایران هویدا شد و بار دیگر پیوند دیرپای روحانیت اصیل و متعهد و مردم کشورمان را جلوه گر ساخت. اتحاد و ایثار و از خود گذشتگی آنان را در حفظ استقلال و هویت اسلامی کشور به نمایش گذاشت و زمینه ساز بسیاری از حرکت‌های اصیل و مردمی شد و... خلاصه پیامدهای بسیار خوبی به دنبال داشت که اهم آنها به قرار زیر است:

عزت مسلمانان

نهضت تنباکو و در حقیقت فتوای قاطع و کوبنده میرزای بزرگ مایه عزت و سربلندی اسلام و مسلمانان و ذلت و خواری کمپانی و استعمار انگلیس شد. آنان که تا دیروز دارای عز و احترامی بودند و با نخوت و غرور با مردم برخورد می کردند و سالها بود که فرمان فرما و حاکم علی الاطلاق در کشور بودند در انظار مردم از درجه اعتبار اعتناء ساقط شدند و با چادرهای عاریتی از شهرها گریختند. آنانی که در شهرها ماندند از ترس و وحشت جرات ظاهر شدن در میان مردم را نداشتند. شیخ حسن کربلایی اوضاع خارجیان را در آن زمان چنین به تصویر می کشد:

[..... جمعی از آنها در لباس زنانه اسلامی که از مسلمانان اتباع خودشان با هزاران تملق به عاریت

رگفته بودند شبانه گریخته از شهر بیرون رفتند. و سایرین در شهر وامانده بودند بالمره خودشان را پنهان داشتند. از آن همه اوضاع فرنگی بازار تهران به هیچ وجه اثری نبود سهل است که در تمامی کوچه و بازار دارالخلافته در این ایام چه از اجزاء کمپانی چه از اجزاء سفارتخانه های خارجه و چه در غیر از اینها یک نفر فرنگی در تمامی این شهر برای درمان پیدا نمی شد] 93 .

و در جای دیگر با اشاره به مفاسد و پیامدهای زیانبار امتیاز در زمینه پیامدهای مثبت این پیکار پیروز چنین می نویسد:

..... کوکب سعادت و نیک بختی مسلمانان دگر باره در برج سعادت و اوج استقامت رخ نمود. مهر منیر

اسلامیت در آفاق به تابش آمد. رغبت گذشته مردم به اسلامیت یک به چندین بیفزود. الحاصل رشته

مقطوع گردید. بحمدلله دوره مسلمانی در ایران تجدید شد...

کربلایی در ادامه نوشتار خویش از ماهیت پلید فرنگیان و کشف آن برای مردم سقوط اعتبار و سلطه آنان

ذلت و خواری آنان و... سخن گفته و دگر بار می نویسد:

[.....الحمد لله دوره مسلمانی در ایران از نو تجدید شد. در ماه مبارک رمضان...علاویه و برملا (همانند گذشته) روزه خواری نمود. رغبت و میل مردم به مسلمانی و دینداری دست داده . نشاطی به طاعت و عبادت پیدا کردند. ازدحام در مساجد و مجامع بسیار منبر و محراب به طوری جلوه نمود که موجب تعجبات عامه گردید] 94 .

شکست استعمار

فتوای آن مرجع بزرگ [بزرگترین ضربه ای بود که در قرن نوزدهم بر پیکر استعمار وارد آمد] 95 . بالاخره ایرانی را که در آستانه پیوستن به مستعمرات انگلیس بود از خطر سقوط رهانید و او را در اهداف شوم و شیطانی خویش ناکام کرد.

زنده یاد جلال آل احمد در این زمینه می نویسد:

[وقتی میرزای بزرگ با یک فتوا به تحریم تنباکو امر می دهد به اتفاق همه نویسندگان تاریخ مشروطه کمر یک کمپانی خارجی را می شکند (رژی) و در عین حال آبروی روشنفکر زمان خود را می برد (ملکم)] 96 .

افزون بر این لغو امتیاز یک کشور استعماری و عقب زدن استعمار در یک اتحاد همه جانبه مردم به آنان آموخت که در صورت تشکل و مبارزه می توان بر قدرتهای استعماری پیروز گشت . پیروزی در الغای این امتیاز همچنان که بزرگترین توفیق مردم در مقابل استعمار بود بزرگترین تجربه برای مبارزه در این بعد نیز بود .

شکست استبداد

استبداد که در اندیشه مردم شکست ناپذیر می نمود با عقب نشینی در این جریان سطوت و شکست ناپذیری خود را از دست داد و مردم دریافتند که در بسیج هماهنگ و مشخص قادرند آرمانهای خویش را به پیش برند و استبداد را به اطاعت وادارند. استبداد اگرچه فرو نریخت رسوا شد و محکوم گردید. ولی متاسفانه شاه و درباریان به جای این که با درس آموزی و عبرت گیری از این جریان با تکیه به مردم و عالمان دینی آن عزت و سربلندی و بریدگی از استعمار را حفظ کنند و بر آن مداومت نمایند به خاطر ماهیت ضد دینی و ضد مردمی خویش از این پس تکیه گاه خویش را روسیه قرار دادند 97 !

امتزاج دین و سیاست

از دیگر پیامدهای نهضت پیروز تنباکو امتزاج دین و سیاست در مرحله عمل بود. تا این زمان جدایی حوزه سیاسی از حوزه دینی یک امر معمولی می نمود و روحانیت کمتر در مسائل سیاسی دخالت می کردند. با این نهضت این دو حوزه در مرحله عمل به هم پیوند خورد. این از پیامدهای بسیار خوب این جریان بود. هر چند برخی از تاریخ نگاران درباری آن را از پیامدهای زیانبار و منفی آن دانسته اند. یحیی دولت آبادی پس از اظهار نظر این مطلب که : عموم روحانیون تلاش دارند تا در سیاست دخالت کنند مگر اندکی . (که از آنان به عنوان وجودهای مقدس و منزله روحانی یاد می کند) ورود روحانیت را به صحنه سیاست مایه لکه دار شدن مقام و دامن روحانیت و تزلزل اساس سیاست می داند و می نویسد:

[..... به هر صورت دخالت اضطراری میرزای شیرازی در امر سیاست گرچه برای حفظ استقلال مملکت و نگاهداری از تجاوزات بیگانگان بسی سودمند بود و لکن بذری در مزرعه روحانیت پاشیده شد که معلوم

نیست چه حاصلی برویاند و چه نتیجه در آینده برای سیاست و روحانیت این مملکت داشته باشد. و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را بر هم زده و هر یک از روحانیون و سیاسیون را به ادای وظیفه شرعی خویش وا دارد. [98

افزایش قدرت روحانیون

با پیروزی در این مبارزه مردم بیش از پیش به اهمیت روحانیون پی بردند و روحانیت مبارز به عنوان مظهر و تجسم آرمانهای ملی مطرح شد. مردم مسلمان از آن پس حول محور رهبری روحانیت تشکی یافتند. افزون بر این در این پیروزی ماهیت ضداستعماری روحانیت که از ماهیت اسلام سرچشمه می گرفت روشن تر شد. قدرت روحانیت بویژه رهبری نهضت افزایش یافت تا جائی که روس وانگلیس از در خدعه و نیرنگ به میرزای شیرازی نامه می نویسند و اظهار اطاعت می کنند 99 . این قدرت به حدی است که ایادی خائن استعمارگران از این مساله نگران می شوند. در 24 دسامبر 1891 لاسلز به سالیسبوری می نویسد:

[اگر ملایان در اثبات قدرت خودشان و روی کارآوردن یک حکومت متعصب ضد اروپایی توفیق یابند باید همه امید خودمان را برای اصلاح ایران از رهگذر اقدام بازرگانی از دست بدهیم] 100 . حامد الگار در این زمینه می نویسد:

[خاتمه موفقیت آمیز لغو امتیاز در ایران یک نتیجه مستقیم داشت و آن افزایش شایان توجه قدرت روحانیون بود. اندکی پس از لغو تحریم ناصرالدین شاه خود را ناگزیر به احضار علمای تهران دید تا از آنان به سبب تقویت کردن اساس دولت سپاسگذاری کند و به آنان قول داد که در تمام کارهای مهم به صلاح دید و مشورت آنها رفتار خواهد کرد 101 و نامه تملق آمیزی هم به میرزا حسن شیرازی نوشت 102 و در 8 شعبان 1312 که مرگ این مجتهد بزرگ جهانی را سوگوار کرد بر خود واجب دید که در مجلس یادبود او در مسجد شاه حضور یابد. 103 اما در باطن از تسلیم اجباری خود در برابر علماء خشمناک بود و از نفوذ علماء با امین الدوله درد دل می کرد] 104 .

از زاویه ای دیگر

یکی از نویسندگان معاصر پس از آن که به این پیروزی استعمار ستیز ارج می نهد و از رهبری نهضت تمجید می نماید از زاویه ای دیگر در این بعد به مساله نگرینسته و نمایش قدرت روحانیون را در نتیجه به ضرر روحانیت دانسته و می نویسد:

این پیروزی مقدماتی به ضرر نهایی روحانیت تمام شد چرا که هم کمپانی و هم حکومت های دست نشانده و هم روشنفکر خدمتکار حکومت دریافتند که حریف اصلی کسیت تا به آن طریق که می دانیم در مشروطه و پس از آن دستش را کوتاه کنند. 106

آری از همین جا بود که استعمارگران دانستند بر سر راه نفوذ خویش و پایه گذاری حاکمیت خود در کشورهای اسلامی چه موانع و چه گردنه های سخت گذری در پیش است. از آن روز به بعد با تلاش همه جانبه برای برداشتن آن موانع دست به کار شدند. اسلام و روحانیت را هدف قرار دادند. با تمام توان دست به کار تضعیف روحانیت و قطع ارتباط با مردم آنان شدند. شایعه پراکنی و برچسبهای ناچسبی را به افراد موثر در همان نهضت زدند از جمله:

میرزای آشتیانی را که نماینده میرزای بزرگ بود و رهبری تهران را به عهده داشت رشوه خوار معرفی کردند.

آقانجفی را که در اصفهان نقش بزرگی داشت محتر غله و همدست ظل السلطان قلمداد کردند.

این سیاست همچنان ادامه دارد. از همین جا بود که انگلیس به همراه ایادی خائن خودکتاب [ملانصرالدین] را برای کاهش نفوذ و اعتبار روحانیون نوشت و منتشر کرد. باین همه خوشبختانه دین و علمای دینی و ارتباط آنان با مردم همچنان باقی ماند و با همه دسایسی که به کار گرفتند مردم به علماء دینی در مشکلات دینی و دنیایی خود مراجعه می کردند و...

الگو گیری

نهضت تنباکو ضمن یک تجربه علمی آشکار ساخت که می شود با استعمار و استبداد و نیروهای آن درافتاد به شرطی که ملت به یک روحیه انقلابی مسلح شود. اگرچه ساز و برگ و وسیله ای متناسب با امکانات دشمن نداشته باشد اما با اتحاد و اتفاق و روحیه انقلابی به پیروزی خواهد رسید. بر همین اساس است که حرکت ضد استعماری مردم عراق به رهبری عالمان دینی، مشروطه و انقلاب اسلامی ایران پدید می آید.

حرکت ضد استعماری علماء عراق

علمای عراق بویژه میرزای شیرازی دوم که از شاگردان بنام و ممتاز میرزای بزرگ است با درس آموزی از استاد خویش رهبری انقلاب عراق را علیه استعمار انگلیس به دست می گیرد و مردم را به جهاد و پیکار دعوت می کند و با تمامی توان در این راه می کوشد و استقلال کشور اسلامی عراق را با فداکاری و از خود گذشتگی به ارمغان می آورد.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در شرح اقدامات این مجاهده نستوه می نویسد:

...از آن جمله موضع گیری با عظمت وی بود در برابر دولت انگلیس در برابر واقعه شورش عراق و طلب حقوق بر باد رفته مردم و امر به دفاع و صدور آن فتوای پر اهمیت که عراق را زیرو رو کرد. و این به خاطر عظمت او بود در جامعه و جایی که در دلها داشت. او بحق هر چه داشت و هر نیرو و امکاناتی که در توانش بود در این راه گذاشت حتی فرزندان خویش ر چه در همین جریان بود که پسرش میرزا محمدرضا دستگیر شد. آری او استقلال کشور اسلامی عراق را به بهای جان خویش و فرزندان خویش خرید 106 به یقین افکار و بینش سیاسی استاد در شاگرد که سالها از محضر او بهره برده و در غیاب او متصدی کارهای او بوده دخالت داشته است .

نهضت مشروطیت

نهضت تنباکو سبب رشد افکار و اندیشه های سیاسی شد و زمینه تحولات بنیادین را در نظام اداری و سیاسی کشور فراهم ساخت . در نتیجه موجب شکل گیری نهضت اسلامی بزرگتر در قالب قیام مشروطیت گشت . رهبران نهضت مشروطه از شاگردان و تربیت یافتگان مکتب میرزای شیرازی بودند. نیکی ریچارد کدی مولف تحریم تنباکو در ایران می نویسد:

اعتراض به امتیاز تنباکو نخستین جنبش موفقیت آمیز مردم در تاریخ جدید ایران بود که به شکست دولت و پیروزی اعتراض کنندگان در مورد تقاضایشان برای القا همه جانبه امتیاز منجر شد. این موفقیت بی تردید به مخالفان هوشیار دولت و خارجی جسارت بخشید تا آن جا که برای نخستین بار دریافتند که می توان در مقابل دولت نیز ایستاد حتی در موضوعی که پای منافع قدرتهای اروپایی در میان باشد. این جنبش متضمن نخستین اتحاد موفقیت آمیز میان علماء اصلاح طلبان متجدد و جماعت ناراضی ایران بخصوص تجار بود. اتحادی که می بایست مجددا در اعتراضهای بعدی ظاهر شود و در انقلاب مشروطه به ثمر رسد. 107

دکتر مهدی ملک زاده در کتاب [تاریخ انقلاب مشروطیت ایران] و احمدقاسمی در مجله رزم از تاثیر نهشت تنباکو در انقلاب مشروطیت سخن گفته اند.

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که با رهبری پیامبر گونه امام خمینی رحمه الله علیه به پیروزی رسید بدون تردید الهام گرفته از آن پیکار پیروز و آن مرجع بزرگ میباشد. امام راحل بارها از رهبری داهیانہ میرزای شیرازی و تاثیر فتوای آن بزرگوار در شکست استعمار و استبداد و لزوم درس آموزی از آن سخن گفته اند. از جمله می فرمایند:

[نهضتهائی در این صد و چند سال واقع شده یکی از آنها قضیه تنباکو بود.... میرزای شیرازی بزرگ امر فرمود..... و سایر علمای ایران جان فشانی کردند زجر کشیدند زحمت کشیدند قیام کردند مردم را به قیام واداشتند تا این که امتیاز لغو شد] 108 ... و در جای دیگر در تاثیر آن فتوا می فرمایند:

آن مرحوم میرزای بزرگ رحمه الله علیه که در سامره تنباکو را تحریم کرد برای این که ایران را تقریباً در اسارت گرفته بودند به واسطه قرارداد تنباکو و ایشان یک سطر نوشتند که : تنباکو حرام است . و حتی بستگان خود آن جائر هم و حرمسرای آن جائر هم ترتیب اثر دادند به فتوا و قلیانها را شکستند. و در بعضی جاها تنباکوهایی که قیمت آن هم زیاد است در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند آن قرارداد را و لغو شد قرارداد. 109

تحریف زدایی از چهره فتوا

در گذشته یادآور شدیم که پس از صدور حکم و ارسال آن به تهران ماموران حکومت از طرف شاه و کمپانی رژی وظیفه یافتند که از انتشار حکم به هر نحوی که شده جلوگیری کنند. هنگامی که در این وظیفه ناتوان شدند شایعه جعلی بودن فتوا را با مساعدت روحانی نمایان درباری پخش کردند. از آن پس کسانی که با استعمارگران و حکومتهای استبدادی سروسری داشته اند به این شایعه دامن زده فتوا را جعلی و جاعل را ملک التجار یا حکومت روسیه یا میرزای آشتیانی معرفی کرده اند. 110 عده ای دیگر خواسته اند به نحوی دیگر در اصالت فتوا تشکیک کنند. لذا برخی شخص ناصرالدین شاه 111 و بعضی دیگر سید جمال الدین اسدآبادی را محرک صدور فتوا معرفی کرده اند. 112 برخی دیگر تصور کرده اند که دست روسیه در این عمل دخالت داشته است . 113

ولی ما بر اساس مستندات تاریخی بر این باوریم که : دستی که مردم را به حرکت درآورد مذهب بود. عالمان دینی بویژه میرزای شیرازی به عنوان رهبران این نهضت عمل می کردند. سرانجام حکم میرزای شیرازی بود که نهضت را به پیروزی رساند.

هر چند سخنان این مورخان استعماری احتیاجی به تحلیل و بررسی ندارد و کسی که اندک مطالعه ای در تاریخ داشته باشد نقش میرزای شیرازی و صحت صدور فتوا را از ایشان به روشنی می بیند ولی برای روشن تر شدن موضوع و رو شدن دست کسانی که با اشاره استعمارگران و ایادی آنان فتوا را جعلی و یا مشکوک می خوانند و یا محرک و موثر را کسانی دیگر می دانند تا از اهمیت و عظمت آن بکاهند به برخی از دلائل و شواهدی که بیانگر صدور حکم از جانب میرزای بزرگ است اشاره می کنیم . پس از آن به نقش احتمالی دربار، حکومت روسیه و سید جمال الدین اسدآبادی در صدور فتوا می پردازیم :

دلایل و شواهد

دلایل و شواهدی که صدور حکم واصلت آن را از مرحوم میرزای شیرازی اثبات می کند بسیار است به عنوان نمونه :

1. از هنگامی که میرزا در جریان حوادث ایران قرار می گیرد با واگذاری مطلق امتیازات به خارجیان مخالفت می کند و با ارسال دو تلگراف در فاصله بسیار اندک واگذاری امتیاز تنباکو و غیر آن را منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت می داند. 14
2. در ملاقاتی که مشیرالوزاره کارپرداز ایران در بغداد به دستور ناصرالدین شاه برای توجیه میرزا داشت پس از عذرهای بسیار و عدم توان دولت در برهم زدن این امتیاز میرزای شیرازی می فرماید: [اگر دولت از عهده برنمی آید من به خواست خدا آن را بر هم می زنم .] 115
3. وقتی میرزای شیرازی از جانب یکی از شاگردانش مورد مواخذه قرار می گیرد که : چرا حکم تحریم صادر نمی کنید؟ اگر می ترسید که این قضیه به نابودی شما تمام شود مگر خون شما از خون حسین بن علی (ع) گرانبها تر است که در راه حق شهید شد. میرز پس از مدتی سکوت در پاسخ می فرماید : [نه . من به یاری خدا دخالت کردم و حکم تحریم را هم دو روز پیش نوشتم و به تلگراف خانه فرستادم] 116 .
4. وقتی علاء الدوله از جانب شاه به عراق می رود تا بلکه از دیگر علماء حکم به جواز استعمال تنباکو را بگیرد علمای نجف در جواب می گویند: [آن چه را میرزای شیرازی فرموده اند حکم است نه فتوا و اطاعت آن بر همه لازم است] 117 .
5. پس از صدور حکم نایب السلطنه که برای گرفتن حکم جواز به میرزای آشتیانی مراجعه می کند وی در جواب می گوید: [این حکم اصلاح برنمی دارد... این امتیازات باید برگردد و تا برنگردد میرزا آرام نمی گیرد] 118 .
6. در جلسه مشترکی که علمای مشهور تهران و دولتیان حضور دارند پس از گفتگوی بسیار علماء می گویند: [اگر غرض دولت در عقد این مجلس تدبیری برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است شما خود می دانید که ما را در این منع هیچ مداخلیتی نبوده و نیست . این حکم از جانب میرزای شیرازی است و حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است] 119 .
7. وقتی امین السلطان از صحت حکم در همان مجلس سؤال می کند علماء که درانتساب فتوا به میرزا شک نداشتند برای تایید سخن خویش به تلگراف میرزا اشاره کرد و فرمودند: [حکمی را که این تلگراف متضمن است به مراتب شدیدتر از حکم جدید است زیرا در آن عمل انحصار را مخالف با صریح قرآن و محاربه خدای تعالی دانسته و حال این که در این حکم تازه مخالفت و محاربت با امام زمان (ع) دانسته است] 120 .
8. در جلسه ای که یک هفته بعد از این جلسه برگزار می شود امین السلطان می گوید: [امتیاز داخله برداشته باشد... حالا دیگر بروید به مساجد... اعلام به حلیت دخانیات بدهید].... علماء در جواب می گویند:
- [متارکه و امتناع مردم از استعمال دخانیات مستند به حکم و منع ما نبوده تا اگر اکنون رخصت دهیم مردم ارتکاب بجویند بلکه امتناع مردم مستند به حکمی است که از رئیس علماء ملت در آن خصوص صادر شده و مردم اطاعت نموده اند] 121 .

9. وقتی لغو امتیاز داخله به میرزای شیرازی اطلاع داده می شود میرزا خواستار قطع ید خارجی به طور مطلق از ایران می گردد. 122
10. وقتی میرزای آشتیانی مخیر می شود که یا حکم جواز بدهد و یا تهران را ترک گوید در جواب می فرماید:
- [نقص حکم حجه الاسلام میرزا از هیچ رو برایم ممکن نیست ولی از تهران می روم] 123 .
11. پس از لغو امتیاز داخلی و خارجی امین السلطان مجدداً از میرزا حکم به جواز را می خواهد ولی میرزا مجدداً در جواب می گوید:
- [وضع این حکم از من نبوده تا رفع آن نیز از من و به دست من باشد. منع این از حضرت حجه الاسلام بوده رفع این منع نیز موکول به جناب ایشان است] 124 .
12. در نامه ای که آشتیانی به شاه در پاسخ نامه تهدیدآمیزش می نویسد می گوید:
- [تحریم به حکم میرزای شیرازی بوده جواز استعمال نیز باید از جانب ایشان باشد] 125 .
13. در تلگراف هایی که از جانب علماء پس از لغو امتیاز داخلی و خارجی مخابره شده و خواستار حکم به اباحت تنباکو می شوند میرزای شیرازی در جواب می نویسد:
- [تلگراف محل اعتماد نیست ... حکم به حرمت کما فی السابق برقرار است .] 126
14. در نامه محرمانه خود اذن به جواز را منوط به شرائطی می داند و تصریح می کند که تا تفصیل مطلب بر احقر معلوم نشود اذن به جواز نخواهم داد. 127
15. افزون بر همه اینها در همان موقعی که دربار شایعه جعلی بودن حکم را پخش کرد میرزا حسن آشتیانی و سایر علماء تهران صحت حکم را تایید کردند و عده ای از علماء تهران تبریز شیراز اصفهان یزد کرمانشاه سبزواری و... مستقیماً از سامره صحت حکم را پرسیدند که صحت صدور حکم از جانب میرزا به طور جداگانه برای همه ارسال شد 128 .
16. مقاله ای سودمند توسط یکی از علماء منتشر شد که در آن مقاله نیز حکم تحریم نقل شده و به آن استناد شده است و در بخشی از آن آمده است :
- [وسوسه در بودن حکم از جناب ایشان مثل وسوسه در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق . گذشته از این که خط و مهر ایشان بالعیان دیده شده] 129
17. پس از اعلام جواز استعمال دخانیات با استناد به سوال و جوابی که از میرزای شیرازی شده بود و آگاه شدن میرزای شیرازی توسط آشتیانی نوشتند:
- [در باب رفع امتیاز دخانیه و اعلان به ترخیص استعمال به موجب نوشته احقر رسید. البته آن چه صلاح دانسته اید عین صواب است و من بعد هم منعی از استعمال چنانچه فرموده اید نیست] 130 .
18. نیرنگ دیگری که امین السلطان به کار می گیرد ولی تیرش به سنگ می خورد این است که : برخی از روحانی نمایان را و او می دارد که از فقیه معروف کربلاء شیخ زین العابدین مازندرانی سؤال کنند که : مثلاً من مقلد شما هستم . تکلیف من با صدور حکم میرزای شیرازی چیست ؟ آن مرحوم پاسخ نمی دهند.
- چون مجدداً سؤال و اصرار بر جواب می شود مرحوم حاج زین العابدین پاسخ می دهد:
- [هر چه میرزای شیرازی امر فرموده برای همه مطاع است] 131 .
19. در نامه تملق آمیزی که امین السلطان پس از لغو امتیاز به میرزای شیرازی می نویسد به حکم آن حضرت استناد کرده و آن حکم را از الطاف غیبیه دانسته است . 132

روسیه و نهضت تنباکو

یادآور شدیم که برخی از تاریخ نویسان دانسته یا ندانسته نهضت تنباکورا از دسیسه های روسی پنداشته اند. اگر چه ما اصالت و جدی بودن نهضت را به گونه ای بیان داشتیم که جایی برای این بافته ها و خیالات واهی باقی نمی گذارد ولی برای روشن تر شدن موضوع با نقل گفتار برخی از طرفداران این نظریه به تحلیل و بررسی اجمالی آن می پردازیم :

امین السلطان از کسانی است که در نامه اش به شاه و در گزارشاتش به نماینده انگلیس قیام و نهضت اسلامی تنباکو را در نتیجه تحریکات روسها می داند 133 .

ابراهیم صفایی که در زمان شاه معدوم ماموریت بررسی اسناد تاریخی را دارد با استناد به نامه ها و گزارشات امین السلطان می نویسد:

از محتوای مندرجات بعضی از اسناد به خوبی دانسته می شود که در غوغای رژی سر رشته تحریکات در دست روسها بوده است . 134

انگیزه ابراهیم صفایی از سخنان فوق روشن است . او به خاطر وابستگی اش به تاج و تخت شاهان و بالتبع به استعمارگران وظیفه دارد بذریع و ناامیدی را در اعماق قلوب امت اسلامی بپاشد. تا مردم به فکر مقابله با شاهان و استعمارگران و به دست گرفتن مقدرات خویش بدون تکیه بر خارجیان نیفتند .

ما قبول داریم که روسیه بر مبنای همان سیاست رقابتی خویش با انگلستان از نفوذ بیش از حد انگلستان توسط این امتیاز بویژه در منطقه شمال ناراحت است ولی این ناراحتی هرگز او را بر آن نمی دارد که جانب احتیاط را از دست بدهد و در تحریک مردم علیه قرارداد رژی بکوشد چرا که شورش مردم علیه دربار و کمپانی رژی آن هم با رهبری عالمان دینی با توجه به تجربه تاریخی روزگار فتحعلی شاه چیزی نبود که منافع دولت روسیه را تامین کند. و بر فرض که بگوئیم دولت روس خواستار لغو این امتیاز بود هرگز راضی نبود که این کار به دست مردم و با رهبری عالمان دینی باشد.

افزون براین ما هیچ گونه سند معتبر تاریخی که حضور جدی و یا تحریک روس را در این نهضت برساند نداریم . تنها اقدامی که دولت روسیه در این نهضت انجام داده پس از اوج نهضت و لغو امتیاز داخلی و شایعه جهاد، مجلس ضیافتی است که با حضور سیاسیون و سفیر کشورهای خارجی برگزار می کند و نسبت به این امتیاز و پیامدهای زیانبار آن برای دول خارجه سخن می گوید. البته در این زمان دیگر تنها سفیر روس نیست که با این امتیاز مخالف است بلکه همه سیاسیون و سفراء خارجی مخالف امتیاز و خواهان لغو آنند چرا که جانیشان در معرض خطر قرار گرفته و قیام مردم آسایش و امنیت آنان را سلب کرده است . تازه در همین مجلس هم که رئیس کمپانی استمهال می کند که حکم تحریم را لغو کنند مورد پذیرش قرار می گیرد. 135

بنابراین این حرکت سفیر روس هم بیانگر حضور جدی او در این مبارزه نیست . علاوه براین ما قرائن و شواهدی در دست داریم که از قیام مردم ناراحت بوده و با دربار در جهت فرونشاندن خشم مردم بلکه سرکوبی آنان همکاری داشته است .

به عنوان نمونه :

1. در هنگامی که شورش در تهران به اطراف کاخ سلطنتی کشیده می شود و مردم به نایب السلطنه حمله می کنند نایب السلطنه به ارگ سلطنتی فرار می کند ولی از وحشت بیهوش می شود. در این زمینه عباس میرزا ملک آراء می نویسد:

[غرابت در این است که کلنل روسی رئیس قزاق خانه حکایت می کرد که سه چهار مرتبه به نایب السلطنه پیغام دادم که : تمام قزاقها با توپ و تفنگ حاضرند فرمایش چیست ؟ تا اطاعت شود. نایب السلطنه غش کرده بودند و به هیچ وجه جوابی برای من نفرستادند. تا غروب آفتاب خود و ابواب جمعی من مسلح منتظر ماندیم] 136 .

دکتر فووریه پزشکی مخصوص ناصرالدین شاه راجع به تبریز می نویسد:

[29 محرم .امروز معلوم شد که : در تبریز از چند روز قبل جمعیتی جلوی عمارت ولیعهد اجتماع کرده با تهدید و به سختی رعایت احکام قرآنی را مطالبه می کنند. چون دولت می ترسد که این مردم از قول به فعل بپردازند از سفیر روس خواسته است که دولت روسیه در کار تبریز مداخله کند] 137 .

سفیر روسیه قول می دهد که : به سرکنسول روس در تبریز دستور دهد تا نفوذ خود را برای ممانعت از اختلال و بی نظمی به کار برد. در نتیجه شاه از اعزام سربازان به تبریز برای مقابله با مردم صرف نظر می کند. 138 آیا این وعده و عمل تحریک و پشتیبانی مردم است یا مقابله با مردم ؟

3. کارگزار دولت روس همانند: شاه و درباریان وانگلیسیان از اوج گرفتن قیام مردم در تبریز بویژه که رهبری آن با علما بود بیمناک و نگران به فکر چاره جویی برای رفع این قیام می افتد و پیشنهادهایی را به این منظور به مشیرالدوله می کند. مشیرالدوله نیز طی نامه ای به امین السلطان این نظرات را برای او بازگو می نماید:

حضور حضرت مستطاب اشرف امین السلطان وزیر اعظم مدظله العالی امروز شارژ وافر روس ملاقات و سوال کرد که در فقره استیونس رعیت انگلیس و اجماع طلاب و ریختن به کاروانسرا و مهر کارگزاری را شکستن و ایضا کاغذ به دیوارها چسباندن که پروتستانها اگر از شهر تبریز بیرون نروند خواهند رسید و باید خارجها را بیرون کرد اطلاع دارید؟ گفتم : بعضی چیزها شنیده ام .

گفت : معرکه ای است و به توسط تلگراف رمز به ما خبر دائم می رسد و حاجی میرزا جواد مجتهد خیلی به جرات و جسارت حرکت می کند و این کار دنباله خیلی بدی خواهد داشت که اصلاحش دیگر به آسانی مقدور نشود. اگر دولت می توانست بی صدا حاجی میرزا جواد را از تبریز بخواهد و به شیراز بفرستد دفع این حالات و سایر ملاحا از سایر بلاد هم می شد. بعد آن فقرات را که آن شخص سید از قول جناب میرزای شیرازی به مردم می نماید اظهار کرد.

و گفت : خود جناب میرزا هرگز در آن مقامها نیست .این مجتهدین برای خیالات خود دست به این کارها زده اند. باید یک نفر را که او را از طرف دولت ندانند و با اطلاع به همه این مطالب باشد به جناب میرزا حالی نماید و مخاطرات این وضع حالیه را بفهماند که ایشان ملتفت باشند. تا اگر وقتی دولت مجبور به بعضی اقدامات شد ملاحا نتوانند دست به پاره ای وسائل بزنند.

و می گفت :اگر کسی کتابچه خوبی می نوشت که درست بصیر به وضع علماء باشد و مفاصد حالات آنها را توضیح می کرد من می توانم به واسطه کنسول بغداد به میرزا حالی کنم (چنانکه احدی نداند به اطلاع دولت است) و وادار نمایم که به علماء وخامت را بفهماند و حدود خود را آنها بدانند و در موقعش این اقدامات خیلی مفید بشود. و خواهش داشت این مطلب را به عرض حضرت اشرف برسانم . 139 بدون شرح و تفصیل سند فوق پاسخ گوی کسانی است که روس را در این نهضت دخیل می دانند.

4.افزون بر همه اینها دولت روسیه پیش از این امتیاز کشتیرانی در شمال راه آهن و... را به عنوان حق العبور از خاک روسیه برای سومین سفر شاه به اروپا و همچنین امتیاز دیگری (بانک استقراضی) را به عنوان حق الکسوت در تاریخ سوم مه 1890" 1307 دریافت داشتند. و نیز در تاریخ اول جمادی الاول 1308 امتیاز اداره بیمه و حمل و نقل را برای مدت 75 سال به خود اختصاص دادند. مشروط براین که صاحب امتیاز ده ساله اولیه سالی سیصد تومان و در ده سال ثانوی سالی پانصد تومان و بعد سالی هزار تومان به شاه بپردازد. 140 روسیه که در این شرائط و در مقابل امتیاز رژی چنین امتیازی را به دست آورده البته که خواهان قیام و تحریک مردم نیست . لذا همچنان که یادآور شدیم تا اواخر نهضت هیچ گونه حرکتی که بیانگر مخالفت جدی روسیه باشد انجام نداد. تنها وقتی در برابر شورش مردم عکس العمل نشان می دهد که بر جان خود ایمن نیست . همانند بقیه سفرای خارجی اظهار ناراضیتی می کند و از ترس و

وحشتی که اطاعت مردم از فتوای شیرازی ایجاد کرده سخن می گوید تا می رسد به این جا: [.... که اگر این شخص نافذ الکلمه حکم بتی بدهد که بر مسلمانان حتم و لازم است که تمام فرنگیان که در بلاد اسلام منتشر قتل و اعدام نمود هیچ می دانید آن گاه چه خواهد شد و چه قدرها نفوس تلف شده] 141

نقد و بررسی

مستندات و مدارک کسانی که نهضت اسلامی تنباکو را از دسیسه های روسی پنداشته اند امور ذیل است :

1. گزارشات امین السلطان به شاه و نماینده انگلیس . به دلیل وابستگی امین السلطان به انگلیس گزارشهای وی نمی تواند مستند ما برای داوری در این امر باشد. چون انگیزه امین السلطان از انتساب نهضت به روسیه کسب حمایت و مساعدت هرچه بیشتر انگلیسیان بوده است که با اوج گرفتن قیام و نهضت در خطری جدی قرار گرفته بود.
 2. گزارشهای نمایندگان انگلیس در ایران . تمام هم و غم انگلیسیان در این است که در گزارشاتشان تمامی تقصیرات را به گردن روسها بیندازند.
 3. سومین سند نقل قولی است از کاساکوفسکی فرمانده بریگاد قزاق در ایران در سالهای 1894-1895 به گفته او در روز شورش تهران فرماندهان روسی قزاقها به جای حمایت از شاه به خوش گذارنی مشغول بوده اند. 142
- درباره این گزارش باید گفت :
- اول کاساکوفسکی که ناقل این گزارش است خود چهار سال پس از واقعه برای نخستین بار به ایران آمده و هرگز شاهد این ماجرا نبوده است .
- ثانی با مطالعه کامل خاطرات شش ژانویه کاساکوفسکی که بیان واقعه رژی قسمتی از آن است به خوبی به انگیزه او در طرح این گونه مباحث می توان پی برد.
- او در این روز ملاقاتی با فرمانفرما داشته و با شکایت از این پادشاهی که به افسران قزاقخانه وعده داده شده بود هنوز اعطاء نشده است . در مقام بیان خدمات قزاقخانه است و برای اثبات فعالیت خویش و پیشرفت قزاقخانه ترسیمی مبالغه آمیز از وضع ناگوار آن جا قبل از ورود خود ارائه می کند و آن گاه ترقیات آن را تحت توجهات خویش بازگو می نماید. با توجه به عرض ناقل چنین نقلی نمی تواند اعتبار و سندیت داشته باشد. علاوه با سندی کاملا معارض روبه روست از قول فرمانده قزاق در آن زمان.
- افزون بر این کاساکوفسکی فردی نیست که در منقولات خویش دقیق باشد او یک جا تعداد کشته شدگان تهران را قریب 30 نفر ذکر می کند و در همین ملاقات فرمانفرما باز به همان منظور 60 نفر. 143
- همچنین در تعیین تعداد بابیان در یادداشت 10 مه آنان را یک میلیون نفر می داند و در روز بعد در ملاقات با صدراعظم آنان را دو میلیون نفر قلمداد می کند! 144
- از این روی معدود مدارک ارائه شده بسی بی پایه تر از آن است که بتواند ثابت کند که روس سلسله جنبان حوادث تنباکو بوده است . افزون بر این همگانی بودن نهضت که همه مورخین داخلی و خارجی نهضت 145 از آن سخن گفته اند حاکی از جدی بودن نهضت است . نماینده انگلیس در تبریز به کارگزار انگلیس در تهران می نویسد:

[بی نهایت مشکل خواهد بود که شخص بخصوصی را در این آشوب مقصر بدانیم چون محدود به یک فرقه نیست و روشن است که تمام مردم از وضع و شریف به عنوان کوششی برای دخالت در حقوق ملی و مذهبی خود شدیداً به آن دامن می زنند] 146 .

با این همه قدر مسلم است که روس از انتساب این نهضت به خویش به دلایل زیر خرسند بوده است :

1. این شایعه را می توند به عنوان انعکاسی از نفوذ و سلطه خود بر افکار عمومی به رخ انگلیسیان و دیگر سیاستمداران بکشد و احیاناً در موقع مقتضی از آن بهره برداری نماید.

2. باین انتساب می تواند زمینه ای در روحیه پر وسواس و کابوس زده شاه و درباریان برای اخذ امتیازات جدید و وابستگی رژیم به دولت روسیه ایجاد کند. چنانکه چنین شد. از آن پس ناصر الدین شاه و دربار به دولت روسیه بیشتر متمایل شدند 147 تا جایی که اعتماد السلطنه چنین گزارش می دهد:

.... شارژدافر روسی می گفت : ما با امین السلطان صلح کردیم . به سفارت روس آمد شرط و عهد بست و قسم خورد که منبهد با ما خلاف نکند.

دیروز هم وزیر مختار روس خدمت شاه رفته بود. شاه هم ضامن صدق قول امین السلطان شده بود.... 148

3. از همه مهمتر این که : با گسترش این شایعه می توان در افکار گروهی نسبت به این نهضت سوءظن ایجاد کرد و از گسترش دامنه این نهضت والگو شدن آن برای نسلهای آینده جلوگیری کرد. همان مامورتنی که قلم به مزدانی همچون : ابراهیم صفائی و امثال وی به دنبال آن هستند.

سیدجمال الدین اسدآبادی

برخی براین باورند که صدور فتوا از میرزای شیرازی در تحریم تنباکو به سبب تهمید مقدمات سیاسی سیدجمال الدین اسدآبادی و نامه معروف وی به مرحوم شیرازی بوده است . در مقابل برخی برآنند که : نامه سیدجمال پس از صدور حکم تحریم به دست ایشان رسیده و لذا هیچ گونه تاثیری در صدور حکم نداشته است .

پیش از آن که به تحلیل و بررسی این دو دیدگاه پردازیم برخی از گفتار طرفین را در این زمینه می آوریم : از معاصرین واقعه تنباکو تنها اعتمادالسلطنه و شیخ محمدرضا زنجانی به این نامه اشاره کرده اند. اعتمادالسلطنه وزیرانطباعات ناصرالدین شاه نامه سیدجمال الدین را سبب صدور حکم تحریم بلکه بالاتر اصل حکم را از سیدجمال الدین اسدآبادی می داند که آن را به نظر میرزای شیرازی رسانده و به گونه ای مضار و معایب انحصار دخانیات را به وی جلوه داده است که او جز تایید آن حکم چاره ای دیگر نداشته است 149 .

در مقابل شیخ محمدرضا زنجانی براین باور است که : سیدجمال الدین در صدور فتوا از جانب میرزا نقشی نداشته و نامه وی پس از صدور حکم 150. به دست ایشان رسیده است ولی سیدجمال از صدور حکم آگاه نبوده است .

در میان کسانی که پس از نهضت اسلامی تنباکو به تحلیل و بررسی آن پرداخته اند همین اختلاف نظر وجود دارد.

استاد سیدمحسن امین رحمه الله علیه پس از آن که از قول یکی از نویسندگان مصری نقل می کند که : این نامه از مهمترین عوامل فتوای شیرازی به تحریم تنباکو بوده است می نویسد:

حقیقت این است که میرزای شیرازی هنگامی که از ماهیت امتیاز واگذار شده به انگلستان با خبر شد پیش از آن که نامه سید جمال به دست وی رسیده باشد فتوای تحریم تنباکو را صادر کرده است . بنابراین نامه سید محرک میرزا در صدور حکم نبوده است . و بر فرض که آن نامه پیش از صدور حکم

رسیده باشد اگر میرزا خود از احساس دینی بزرگی برخوردار نبود نامه سید به هیچ وجه نمی توانست در او تاثیر کند و او را به صدور فتوا وادارد. اساسا مردم زمانی که به شخصی تمایل پیدا می کنند هر واقعه ای را در عالم به او نسبت می دهند 151 .
حامد الگار در این باره می نویسد:

[ای - جی براون معتقد است که : نامه او به میرزا حسن شیرازی تاثیری قاطع داشت . 152 هر چند درست است که میرزا حسن میل نداشته از قدرت سیاسی خود استفاده کند. چنانچه نشان داده خواهد شد جمال الدین او را به استفاده از این قدرت ترغیب نکرده است . ظاهرا در گیرودار هیجان علیه انحصار تنباکو جمال الدین بر جریان واقعی رویداده هیچ نفوذی نداشته است] 153 .
محیط طباطبائی در کتاب: [نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین] پس از آن که از ملاقات سید جمال و فال اسیری در بصره و تاثیر و نفوذ وی در فال اسیری و پس از آن از تاثیر فال اسیری در صدور فتوا می نویسد متذکر می شود:

[فتوای مرحوم شیرازی که بدون شک محصول تمهید مقدمات سیاسی سید بود شاه و امین السلطان را در مقابل هیات روحانی عتبات تهران مغلوب ساخت] 154 ...
صدر واثقی مولف کتاب: [سید جمال الدین پایه گذار نهضت های اسلامی] از کسانی است که حدودی مفصل تر از دیگران در این باره به بحث پرداخته است . وی پس از نقل سخن زنجانی و نادرست خواندن آن و با رد اعتراض استاد سید محسن امین بر شکیب ارسلان دلائلی را بر نقش اساسی سید در صدور حکم به شرح زیر می آورد:

1. سید در ضمن مبارزاتش سعی داشته است که از وقایع و حوادث در اولین فرصت با خبر باشد...

2. سید در ربیع الثانی 1309 در لندن بود و حکم تحریم اول جمادی الاول 1309 صادر شده است . بنابراین در هنگام فرستادن نامه مسلم در بصره بوده است و تا آن ایام به طور قطع چنین فتوایی صادر نشده بود.

3. اقوال متعددی وجود دارد که فتوای میرزای شیرازی را در نتیجه ارسال نامه سید می دانند. از جمله سخن اعتماد السلطنه .

پس از آن به شرح زیر نتیجه میگیرد:

[...از تاریخ انعقاد این قرارداد اقدامی از طرف آیه الله شیرازی دیده نمی شود اما همین که سید نامه خود را جهت میرزای شیرازی می فرستد معظم له در تاریخ 19 ذیحجه سال 1308 تلگراف مذکور را برای ناصرالدین شاه ارسال می دارد] 155 .

نقد و بررسی

با توجه به این که حامل نامه سید جمال سید علی اکبر فال اسیری است 156 و ایشان به هنگام اولین تلگراف میرزای شیرازی (با توجه به محتوا 157 و تاریخ صدور آن نوزدهم ذیحجه) در سامراء حضور داشته است 158 به این نتیجه می رسیم که دریافت نامه سید به وسیله میرزای شیرازی پیش از اولین تلگراف ایشان به ناصرالدین شاه بوده است . طبعا حکم تحریم که پس از تلگراف دوم در تاریخ اول جمادی الاول 1309 صادر شده است 159 پس از دریافت نامه سید جمال الدین بوده است . بنابراین سخن شیخ محمدرضا زنجانی و استاد سید محسن امین که معتقد بودند حکم تحریم پیش از نامه سید جمال بوده است درست نیست . چنانچه سخن این آقایان نسبت بی اطلاعی به سید با توجه به متن نامه ای که به میرزای شیرازی 160 و نامه ای دیگری که پس از تبعید به افراد مختلف از جمله نامه اش به علماء مشهور آن زمان نوشته 161 درست نیست بنابراین بخشی از پاسخ صدر واثقی را در رد زنجانی و

سیدمحسن امین می پذیریم .

اما دلیل سوم ایشان همان گونه که دیگران بدون مدرک سخن گفته اند ایشان نیز مدرکی جز سخن اعتماد السلطنه ارائه نداده است . و تحلیل اعتماد السلطنه درباره صدور فتوا نه از سر صداقت و واقع گویی که در راستای ترفندهایی بود که از سوی دربار و انگلیسیان در زمان صدور فتوا برای مقابله با حرکت مردم به کار گرفته می شد.

نتیجه

ما در عین حالی که سیدجمال الدین اسدآبادی را به عنوان مجاهدی سترگ و مصلحی بزرگ می شناسیم و نقش او را در بیداری مشرق زمین بیداری علماء و رهبران مذهبی اتحاد مسلمانان سقوط استبداد و حتی در نهضت تنباکو انکار نمی کنیم و به آن ارج می نهیم ولی بر این باوریم که : نمی توان چنین اقدام بزرگی را تنها متأثر از نامه سیدجمال و اطلاعات معظم له را راجع به حوادث ایران منحصر به اطلاعات موجود در آن نامه دانست بلکه میرزای شیرازی پس از دریافت اخبار به وسیله نمایندگان در ایران و نامه های ارسالی از شهرهای مختلف و پس از ملاقات با دامادش سیدعلی اکبر فال اسیری که از شیراز تبعید شده بود و منیرالدین که از اصفهان هجرت کرده بود احساس تکلیف کردند و رهبری مبارزه علیه انحصار تنباکو را به دست گرفتند 162 .

بنابراین عامل اصلی در صدور فتوا بینش سیاسی شخص میرزا است که پس از دریافت اطلاعات لازم چه از علماء تهران و شهرستانها و چه از طریق نامه سیدجمال الدین تصمیم نهایی را با رعایت تمامی جوانب گرفته است .

یادآوری

دراین جا تذکر دو نکته ضروری و لازم به نظر می رسد:

1. ما هر چند نامه شورانگیز سیدجمال را به میرزای شیرازی عامل اصلی در صدور فتوا نمی دانیم ولی این به معنای انکار نقش وی در نهضت تنباکو نیست . ما معتقدیم که آن نامه و دیگر نامه هایش به رهبران مذهبی ایران و همچنین بیدارگریهایش به هنگام حضور در ایران در حرکت و قیام مردم بی تاثیر نبوده است . می توان بالاتر گفت : عده ای از عالمان دینی که دراین نهضت و نهضت مشروطیت نقش داشته اند مستقیم یا غیرمستقیم تحت نفوذ تبلیغات سید قرار گرفته بودند.
 - استاد شهید مرتضی مطهری (ره) پس از آن که از سیدجمال به عنوان سلسله جنبان نهضتهای اصلاحی صدساله اخیر یاد می کند واز بیدارگریهای او در کشورهای اسلامی و از مبارزه اش با استبداد واستعمار و از اعتقاد وی به روحانیت شیعه سخن می گوید می نویسد:
- [روش سیدجمال بر روحانیت شیعه تاثیر فراوانی داشت . هم در جنبش تنباکو که منحصرأ به وسیله علماء صورت گرفت و مشتکی آهنین بود بر دهان استبداد داخلی و استعمار خارجی و هم در نهضت مشروطیت ایران که به رهبری و تایید علماء صورت گرفت] 163 .
2. محیط طباطبائی پس از آن که فتوا را محصول تمهید مقدمات سیاسی سید می داند می نویسد:
- [مرحوم شیرازی که از جریان حوادث ایران و تاثیر فتوای خود چندان رضایت نداشت سیدجمال را مسوول می پنداشت] 164 .

روشن نیست که ایشان عدم رضایت مرحوم شیرازی را از کجا به دست آورده اند. این سخن سخنی است بسیار سست و بی پایه که اسناد و مدارک عکس آن را نشان می دهد.

مرحوم میرزا وقتی که می بیند امتیاز داخلی لغو شد تشکر می کند و خواستار لغو کلیه امتیازات می

شود. 165 علاوه هنگامی که امتیاز داخلی و خارجی لغو می شود برخی از علما از محضر ایشان می خواهند که حکم به تحلیل تنباکو بدهند. 166
ایشان در جواب می نویسد:

[تا اطمینان کامل از لغو امتیاز بالمره حکم تحلیل صادر نخواهد شد] 167 .

همچنین نامه محرمانه ای به آشتیانی می نویسد و در آن نامه لغو حکم تحریم را منوط به سه شرط اساسی می داند. 168

و...

این گونه برخوردها بیانگر این است که نه تنها میرزا از صدور حکم رضایت داشته است بلکه می خواسته است که کار به نحو احسن انجام بگیرد.

ناصرالدین شاه و دربار

برخی از مورخین درباری وایادی استعمار سخن بسیار سخیف و بی پایه ای را در این موضوع طرح کرده اند. اینان شخص ناصرالدین شاه را به عنوان محرک هیجان و نهضت معرفی کرده اند. بی پایه تر از این برخی او را از محرکین میرزای شیرازی در صدور فتوا شمرده اند! به عنوان نمونه :

دوستعلی خان معیرالممالک می نویسد:

[پس از آن که ناصرالدین شاه امتیاز دخانیات را به دولت انگلیس واگذار نمود چندی نگذشت که دولت روس هم خواستار امتیازی شد. شاه دانست که قافیه را باخته و این عمل تسلسل خواهد یافت ... پیوسته در اندیشه چاره بود تا این که علاءالدوله را در خلوت طلبیده به وی گفت :

169 ... خدمت میرزای شیرازی می شتابی و سلام مرا به وی رسانده می گویی :

من در دادن امتیاز دخانیات مرتکب خطب بزرگی شده ام و علاجی برای بازستاندن آن جز تحریم دخانیات به حکم شما باقی نیست و باید در این خصوص با من به مکاتبه پرداخته میرزا حسن آشتیانی را هم از ماجرا آگاه سازید. علاءالدوله امر شاه را به موقع اجراء گذاشت و میرزای شیرازی که حق را به جانب شاه دید به دستور وی عمل کرد].

یحیی دولت آبادی در تایید گفتار فوق فرض مشابهی را ارائه داده و دشمنی کامران میرزا نایب السلطنه با امین السلطان را سبب درخواست حکم از میرزای شیرازی می داند.
و می گوید:

چون امین السلطان سخت در اعطای امتیاز تنباکو دست داشت لغو آن به منزله ضربه شدیدی به او محسوب می شد. 170

حامد الگار پس از آن که این نظر را از معیر نقل می کند می نویسد:

به ظاهر بسیار بعید به نظر می رسد ناصرالدین شاه به کار خطرناک تحریک و بر آغازیدن هیجان مذهبی دست زده باشد زیرا چنان هیجانی ناگزیر علیه خود او و صدر اعظمش به کار می رفت .
دولت آبادی می نویسد که : تهدید به اخراج میرزا حسن آشتیانی آخرین نقشه ای بود که طرح شده بود تا پیش از لغو امتیاز به سفارت انگلیس چنین وانمود کنند که شاه حسن نظر دارد و موید امتیاز است و سرانجام ناگزیر به لغو آن شده است .

و با این که ناصرالدین شاه از هوش سیاسی عاری بوده ولی از خطری که تبعید یک مجتهد سرشناس به دنبال داشته آگاه بوده است و میل نداشته جز با اقدام جدی با آن خطر روبه رو شود. از این گذشته لحن نامه اش به میرزا حسن آشتیانی نیک واقعی می نماید... شاید معیر می خواسته با نوشته خود ناصرالدین شاه را از رسوایی آن اقدام ملی تبرئه کند و دولت آبادی هم می خواسته اقدام علماء را ناچیز جلوه دهد 171 .

فراگیر بودن نهضت، مکاتبات شاه و میرزای شیرازی، مکاتبات شاه و میرزای آشتیانی، مکاتبات امین السلطان و آشتیانی، نامه های تهدیدآمیز شاه به علماء و مردم تبریز و همچنین به شیراز و اصفهان، تبعید فال اسیری، کشتار مردم شیراز و تهران و تهدید علماء تهران، اصرار بر لغو حکم تحریم و... حاکی از اذیت بودن نهضت تنباکواست. به برخی از مستندات که بیانگر این مساله است در ذیل اشاره می کنیم:

1. شاه از شورش مردم در شهرها و پیروی آنان از علماء اظهار نگرانی می کند و می نویسد:
 [...]گاهی اصفهان گاهی شیراز گاهی مشهد کرمان بلکه همه جا در شورش و انقلاب است. اگر چه شهری و مملکتی را به تهدید ساکت می کنیم اما این سکوت موقتی است و ابدًا تمام نشده و نخواهد شد. این بازی تازه را که تمام علماء در آورده و کشیدن تنباکو را قدغن و حرام کرده اند و مردم هم اطاعت کرده اند و نمی کشند این یک شورش و نافرمانی ساکت و پنهان است] 172 .

سیر مکاتبات میرزای شیرازی با دربار و علماء تهران و پاسخ درباریان پاسخ شاه به دومین تلگراف میرزای شیرازی با لحنی بی ادبانه و حاکی از عصبانیت دستخط مفصل شاه به امین السلطان راجع به تلگراف میرزای شیرازی که در ذیل جملاتی از آن را می آوریم نیز حاکی از اذیت بودن نهضت است:
 [حقیقه حالت این علماء و مردم محل تعجب است که چقدر در جهالت هستند و هیچ نمی فهمند که حالا دنیا در چه حالت و وضع است. خیال می کنند حالا عهد و زمان امیر تیمور گورگان است یا نادرشاه یا کریم خان زند. هر وقتی هر زمانی اقتضایی دارد. حالا نمی توان به طورها و وضعهای سابق رفتار کرد. آمدیم بر سر دخانیات و بانک و راه آهن ... دولت عثمانی و سلطان آن که خود را خلیفه پیامبر... می داند حالا پنج سال است که تمام اینها بلکه چندین صد دفعه از اینها بالاتر را به دول خارجه اروپا و کمپانی آنها... داده است. اگر می دانستند که خلاف قرآن و شریعت و خلاف استقلال سلطنت است چرا دادند. ما یک فرسنگ راه آهن حضرت عبدالعظیم را داده ایم آنها پانصد فرسنگ راه آهن داده اند] 173 .

پس از اشاره به قرارنامه رویتر و ابطال آن و توضیح امتیاز نامه بانک و قرارنامه دخانیات می نویسد:
 حال به قول میرزا حسن شیرازی این قراردادها و کمپانیها را جواب داده می گوئیم: نمی خواهیم بروید. مگر آنها و دولت انگلیس ... به همین یک حرف ما که خلاف شرع است و بروید خواهند رفت و قبول خواهند کرد؟...

هنوز آن ففره جهادیه علمای کربلا و نجف که آمدند طهران و فتحعلی شاه بیچاره را واداشته با دولت روسیه به جنگ و جدال انداخته از نظرها دور نشده است. و هر چه دولت ایران تا به حال می کشد از نتیجه همان نصایح علمای آن وقت کربلا و نجف است. و حالا یقیناً تجدید آن لازم نیست...
 حاج میرزا حسن البته اعلم علماست لیکن اگر از ساعت سازی و نجاری نداند عیب او نیست. اگر از کارها و رموز دولتی عاری و عاطل است بحثی ندارد...ایشان را از این مقوله که نوشتیم اطلاع دهید...
 پس آدم عاقل چرا باید این حرف ها را بزند. چرا باید این فکرهای بی معنی را بکند. چرا قدر تدابیر و قابلیت کارگزاران را نداند که الحمدلله نمی گذارند کارها به این جا بکشد] 174 .

3. گفتگوها و مکاتبات میرزای آشتیانی با دربار و شخص شاه تهدید و حکم و تبعید ایشان درخواست مکرر تحلیل تنباکو از وی بویژه نامه خشونت آمیز شاه به آشتیانی. در این نامه شاه می نویسد:
 [...]آیا عوام فریبی به نظر شما رسیده یا مسند خود را می خواهید به این واسطه رونقی بدهید. باز هم در مجالس و محافل خودتان در عوض تحسین و تمجید بر ضد دولت و اولیای دولت حرف می زنید یعنی چه؟

من شما را آدم فقیر و شخص ملای بی غرض و دولتخواه می دانستم حالا بر ضد آن می بینم که اقتباس به مجتهد تبریز (میرزا جوادآقا) و آقاجفی اصفهانی و غیره می کنید. آیا نمی دانید که کسی نمی تواند

بر ضد دولت برخیزد] 175 .

4. وقتی جنبش بالا گرفت و بر اثر آن تنگناهایی برای فرنگیان پدید آمد مسؤولین کمپانی از سوی سفرا و سیاسیون اروپا در تهران تحت فشار قرار گرفتند. رئیس کمپانی امین السلطان را در اتخاذ دو راه مخیر ساخت :

لغو امتیاز و پرداخت خسارت یا لغو تحریم و آرام کردن مردم .
شاه و امین السلطان شق دوم را بر می گزینند. شاه و دربار برای چاره جویی مجلسی با حضور علمای معروف و برخی از دولتیان تشکیل می دهند. در این جلسه پس از اصرار علما در لغو امتیاز ، امین السلطان می گوید:

[اعلیحضرت شاهنشاهی فرموده اند که : تغییر و تبدیل این امتیازنامه دولت را ممکن نتواند بود. این معنی محال و ممتنع است . فکری دیگر بکنید].

وقتی که علماء در جواب می گویند:

[مساعدت با دولت در خصوص این امتیاز از ما نیز محال و ممتنع است]. از جانب مشیرالدوله این چنین تهدید می شوند:

[آقایان این امر برای شما خوبی ندارد].

آقا سیدعلی اکبرتفرشی از این سخن تهدیدآمیز بر می آشوبد و می گوید:

[این نامربوطها چیست ؟ چه معنی دارد. چه می کنند ما را؟]

قوام الدوله گفت :

[برداشتن این امتیاز محال و ممتنع است]... پس از آن جناب سید محمدرضا طباطبائی فرمودند:

[اگر این حکم را دولت داده است که باید به امضای ملت باشد واگر شخص شاه داده است ... که چنین حقی نداشته و ندارد] 176

5. پس از واقعه رژی هر وقت از نهضت تنباکو و پیروزی علماء و مردم در این نهضت سخن به میان می آمد شاه ناراحت شده و ابراز تاسف می کرد امین الدوله پس از آن که ترس و وحشت دربار را در دوران نهضت ترسیم می کند می نویسد:

[... کار به کام آقایان شد. شاه بعد متوجه پیروزی علماء شد و در محضر وزراء به مناسبت وقایع این ایام از مطاعیت واستیلاء و قوت و استعلاء ملاها شکایت می فرمود] 177 .

نه تنها ناراحت بود و شکایت می کرد که خواستار در هم شکستن قدرت آنان نیز بوده است :

[ناصرالدین شاه که در قضیه تنباکو از مرحوم میرزای شیرازی و مرحوم میرزای آشتیانی که جریان مبارزه را در تهران خوب رهبری کرده بودند سخت رنجیده بود. و با وجودی که علی الظاهر رنجش خود را نهفته می داشت در باطن خواستار وسیله ای برای در هم شکستن قدرت آشتیانی در تهران بود] 178 ...

با این که امتیاز داخلی و خارجی لغو شده بود ولی بایکوت و حکم تحریم تا 25 جمادی الثانی 1309

همچنان ادامه داشت . از این تاریخ به بعد با مکاتبه علماء و درخواست لغو تحریم باز هم جناب میرزای شیرازی احتیاط را از دست نمی دهد و فرمان لغو تحریم را منوط به دستخط میرزای آشتیانی می داند و پس از آن بایکوت خاتمه می یابد.

افزون بر این تمام تاریخ نویسندگان خارجی از جمله انگلیسیها این نهضت را نهضتی جدی و اصیل دانسته اند به عنوان نمونه : هانری حاویس نویسنده و شاعر معروف انگلیسی می نویسد:

[...بطلان این امتیاز فقط به واسطه اعمال متفقه و حرکات شجاعت آمیز ملاها بوده است که پادشاه را مجبور به بطلان آن نمودند... و کار را به جایی رساندند که اعلیحضرت اقدس همایون ملتفت شدند که اگر بخواهند بیش از این در برابر مردم و ملت مقاومت و ایستادگی کنند نه تنها از پلتیک دور بود بلکه اقدامات

خودشان را در انجام این امتیازنامه و متداول نمودن آن محال و غیرممکن پنداشتند [179] .
 نیکی ریچارد کدی می نویسد:

[...اعتراض به امتیاز تنباکو نخستین جنبش موفقیت آمیز مردم در تاریخ جدید ایران بود که به شکست دولت و پیروزی اعتراض کنندگان در مورد تقاضایشان برای الغاء همه جانبه امتیاز منجر شد] 180 ...

ملک التجار

برخی به پیروی از امین السلطان فتوا را به ملک التجار نسبت داده اند! یحیی دولت آبادی می نویسد:
 [بالاخره حاج محمدکاظم ملک التجار که مردی متهور و جسور بود... فتوایی به امضای میرزای شیرازی منتشر می کند] 182 .

این سخن آن قدر بی پایه است که یحیی دولت آبادی با همه دشمنی که با نهضت مقدس تحریم تنباکو دارد پس از آن که متن حکم را به دنبال عبارت فوق می آورد اعتراف می کند که : این نسبت دروغ است . ولی در عین حال برای خشنودی اربابان خویش همانند دیگر مورخان استعماری در اصالت فتوا تشکیک کرده و می نویسد:

[گر چه این نسبت دروغ است ولی چنان معلوم می شود که میرزای شیرازی اجازه داده است که دیگران به نام او اقدام نمایند اگر پیشرفت نمود انکار ننماید که از ناحیه او بوده است] 183 .
 دکتر فووریه در این زمینه می نویسد:

[امروز اختیار به کلی در قبضه آخوندهاست . این که حاجی محمدحسن را به اسم تحریک مردم توقیف و به قزوین تبعید کرده اند فایده ای نبخشیده همه می دانند که کار از کجا آب می خورد] 184 ...
 با توجه به این که ما اصالت فتوا را با دلائل و شواهد متعدد به اثبات رساندیم بیش از این بحث و بررسی را درباره دیدگاهی که ناقلان آن نیز به نادرستی آن اقرار دارند لازم نمی دانیم . یادآوری این نکته نیز لازم است که ملک التجار همانند بقیه مردم با این امتیاز مخالف بود. هر چند برخی برای مخالفت وی انگیزه های دیگری نقل کرده اند. 185

بینش سیاسی میرزا و فتوا

تا بدین جا اصالت فتوا را ثابت کردیم . از نقش احتمالی شاه و دربار دولت روسیه سیدجمال الدین اسدآبادی و... سخن گفتیم . به این نتیجه رسیدیم که آنان نقشی در صدور فتوا نداشته اند. در این بخش به دیدگاه مورد پذیرش خودمان باارائه شواهد و مدارک می پردازیم . ما بر این باوریم که : میرزای شیرازی (ره) شخصیتی ممتاز و از بینش سیاسی وسیعی برخوردار بوده است . این فتوا برخاسته از بینش سیاسی وی بوده است . البته ما نقش اطلاعات رسیده از ایران و برخی از بزرگان دیگر را به عنوان عوامل معدّه انکار نداریم . دلائل و شواهدی که بینش سیاسی آن حضرت را به اثبات می رساند بسیار است . به عنوان نمونه : پس از مرجعیت ایشان شخصیت های بنام و مشهور روحانی از قبیل : میرزا حبیب الله رشتی میرزا حسن آشتیانی آقا حسن نجم آبادی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی او را با این ویژگی می شناخته اند و به همین سبب او را شایسته مرجعیت و زعامت دینی مسلمانان دانسته اند. شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

وقتی شیخ انصاری از دنیا رفت مردم جهت تعیین تکلیف درامر تقلید پیوسته به شاگردان شیخ مراجعه می کردند. این امر باعث شد که افاضل شاگردان شیخ در خانه میرزا حبیب الله رشتی گرد آیند و به چاره جویی بنشینند. پس از مقداری مشاوره به گفته میرزای آشتیانی : [همگی بر مقدم بودن میرزای شیرازی اتفاق کردند]. پس از آن در پی میرزا فرستاده و بعد از حضور او در مجلس به ایشان گفتند :

مردم نیاز به مرجع تقلید و زعامت دینی دارند و ما همگی بر شایستگی شما اتفاق کرده ایم .
میرزا در پاسخ گفت :

[من آمادگی این مهم را در خود نمی بینم و توانایی برآوردن احتیاجات مردم را هم ندارم . جناب آقا شیخ حسن فقیه زمانه است و شایسته تراز من بدین کار].

میرزا آقا حسن گفت : به خدا سوگند این امر بر من حرام است و نتیجه ورود من بدان جز افساد چیز دیگری نیست . این مساله یک واجب عینی است بخصوص بر شما. برآوردن احتیاجات مردم ساده است ولی این زعامت دینی است که نیازمند مردی جامع الشرائط عاقل سیاست مدار آشنا به امور و کامل النفس می باشد و این در هیچ کس جز شما جمع نیست . 186
پس از سخنان میرزا بقیه نیز به همین شیوه سخن گفتند و بر وجوب تصدی این امر از جانب میرزا حکم کردند 187 .

شیخ آقا بزرگ تهرانی در جای دیگر می نویسد:

[واما عقله فقد حیر السیاسیین من الملوک والسلاطین و الوزراء الکاملین و اذغن لعقله و تدبیره اهل العلم بالتدبیر و لم یبق احد من عقلاء الدنیا الا و صدق انه اعقل منه و] 188 ...
سیاستمداران آن روز: از پادشاهان و وزراء از عقل و بینش او در حیرت بودند و همگی به تدبیر و اندیشه کاملش اعتقاد داشتند. اندیشه وران دنیا او را از خود برتر می دانستند و هر کدام از آنان که با او هم نشین بود خویشتن را کوچکتر از او یافته بود. این برای هیچ یک از علماء پیش از او اتفاق نیفتاده بود به گونه ای که به بینش سیاسی عالمی تمامی سلاطین و اهل علم اقرار داشته باشند.
مرحوم جلال آل احمد می نویسد :

[...وقتی با چنین فتوا دهنده ای طرفیم نمی توانیم گمان کنیم که آخوندی است و قدمی از سر تعصب برداشته و یا از سر خشکه مقدسی یا برای حفظ مقام و عنوان . متن این فتوا فریاد می زند که مردی است در لباس پیشوای مذهبی که می خواهد سرنوشت بشری را در دست بگیرد] 189 ...

اقدامات سیاسی و میرزای شیرازی

مقام والای مرجعیت و مشغله بسیار (اداره حوزه درس و تحقیق و...) این فقیه گرانمایه را از رسیدگی به مسائل و مشکلات طبقات گوناگون مردم و جهان اسلام باز نداشته بود. او همواره از اوضاع و احوال مسلمانان در کشورهای مختلف آگاهی حاصل کرده و در مصالح امت اسلامی و امور مسلمانان اندیشه می کرد و پس از آن چنانچه در موردی احساس تکلیف می نمود اقدام می کرد فتوا می داد حکم صادر می کرد تلگراف می زد نامه می نوشت نماینده اعزام می داشت و... و در نتیجه همین آگاهی و بینش سیاسی بود که به اقدامهای سیاسی بزرگی دست زد که قضیه تحریم تنباکو یکی از آنهاست .
شیخ آقا بزرگ تهرانی در این زمینه می نویسد: [از میان اصحابش عده ای را برای مشاوره و کارهای عمومی مردم برگزیده بود تا در شهرها نماینده او باشند. از همین طریق مسائل مهمی همچون : تحریم تنباکو تاراج چهارمحال قضیه یهود همدانیه گرفتاری شیعیان به دست افغانه خریداری زمینهای طوس به وسیله دولت روسیه امثال اینها را به بهترین وجه حل و فصل کرد] 190 .

روشن است که اینها نیز بخشی از اقدامات سیاسی آن بزرگوار است . چنانکه شیخ آقابزرگ تهرانی با کلمه [وامثال اینها] به دیگر اقدامات ایشان اشاره می کند. برای روشن تر شدن این بخش از گفتار لازم است به برخی از کارها و اقدامات وی اشاره ای گذرا داشته باشیم :

1. قضیه تنباکو و نحوه اقدام ایشان بیانگر بینش سیاسی گسترده آن جناب است . وقتی از مجاری گوناگون اخبار و حوادث ایران به سامرا رسید عده ای از شاگردان میرزا عقیده داشتند که میرزا نباید در این

امر دخالت کند زیرا ممکن است موجب تحقیر و توهین و حتی منجر به از بین رفتن ایشان گردد. و به عکس عده ای دیگر معتقد بودند: عدم دخالت میرزا در این موضوع موجب تسلط خارجی بر یک کشور مسلمان شده و ممکن است به نابودی ملت ایران بینجامد لذا میرزا باید فداکاری کرده و هر چه زوتر حکم تحریم را صادر کند 191. ولی میرزای شیرازی نه به میل دسته اول رفتار کرد و نه مطابق عقیده دسته دوم بلکه راه دیگری را در پیش گرفت که به شرح آن در گذشته پرداخته ایم و در این جا تکرار نمی کنیم. منشاء این مشی سیاسی میرزا اصل مهمی است که وی در برخورد با دربار ایران به آن توجه داشته است و آن این است که: میرز ضربه به دربار ایران را در برابر کفر به مصلحت نمی داند و ضعف آنان را سبب استیلاء کامل کفر بر ایران اسلامی می داند. اما در این قضیه چون اجراء این قراردادها را موجب استیلاء کفار و بیگانگان بر ایران دانسته و رود به صحنه سیاست و مبارزه با سلطه استعمار و صاحبان قدرت را به عنوان وظیفه الهی تشخیص می دهد. ابراهیم تیموری می نویسد:

7. میرزای شیرازی مردی دورانیش و با کیاست بود و هیچ گاه کاری که منجر به ضعف قدرت ناصرالدین شاه و پیشرفت نفوذ خارجی می شد نمی کرد. ولی در مورد دادن انحصار توتون و تنباکو که سلطه خارجی را به دنبال داشت جدا تصمیم به مبارزه می گیرد و مخالفت با دربار ایران را تجویز می کند 192. براساس همان سیاست است که میرز در صدور حکم تعجیل نمی کند و مبارزه را براساس مراحل و شرائط امر به معروف و نهی از منکر با تذکر خطاها به دولت آغاز می کند و وقتی با وقت گذرانی شاه و درباریان در پاسخ تلگرامهایش مواجه می شود حکم تحریم تنباکو را صادر می کند. با پیروی مطلق علماء و مردم سرانجام پیروزی به دست می آید

رهبر دورانیش و هشیار قیام همانگونه که در صدور حکم تحریم شتاب نکرد در لغو آن نیز تعجیل نمی کند. برای ایمنی از دسیسه درباریان و بستن راه هرگونه فریب که ممکن بود به وسیله نامه ها و تلگرامهای ارسالی انجام شود (باین که امتیاز به طور کلی لغو شده و خبر آن به وسیله تلگراف های متعدد از جانب علماء به ایشان رسیده است) فیصله کار را در ارسال دستخط علماء می داند و در بخشی از تلگراف خود به میرزای آشتیانی می نویسد:

چون تلگراف در این وقت محل اعتماد نیست متوقع آن که به خط شریف تصریح فرموده که اختصاص بالکلیه از داخله و خارجه به حسب واقع از ایران مرتفع و دست اجانب را از این عمل بالمره قطع نموده اند و احتمال عود و تبدیل و تبعیض به هیچ وجه نیست تا سبب خاطر جمعی این جانب شود والا به موجب شریعت مطهره استعمال دخانیات جائز نیست و حکم به حرمت کما فی السابق برقرار است و تغییر نخواهد کرد 193.

و در تلگراف محرمانه دیگری که برای ایشان ارسال می کند نکات بسیار مهمی را یادآوری می کند که آن نیز سند گویایی بر دورانیشی این بزرگ مرد است.

از جمله به ایشان توصیه می کند که: باید مسائل به نحوی حل شود که فساد دیگری که دین و مردم را گرفتار سازد فراهم نشود.

و نیز توصیه می کند که: عین آن سندی که دولت به فرنگیها داده مسترد کند و افزون بر این باید از جانب دولت اطمینان کاملی به مردم داده شود که این امتیاز بالکلیه رفع شده است. 194

2. قتل عام شیعیان افغانستان

از اقدامات بسیار مهم میرزای شیرازی در زمان مرجعیت جلوگیری از توطئه و تجاوز نمایندگان و دست نشانندگان انگلیس علیه شیعیان افغانستان بود.

عبدالرحمن محمدزائی که از انگلستان لقب رئیس دلاور اعلم و نشان ستاره هند را دریافت کرده بود ماموریت می یابد که هویت اسلامی مردم افغانستان را از بین برده و شخصیت آنان را خرد کند. و با

تفرقه بین شیعه و سنی مانع از اقدام هماهنگ مسلمانان در برابر انگلیس گردد. وی پس از دریافت آن لقب و آن نشان اقوام خویشان خود را بی غیرت و نامرد و... می خواند و دست به کشتار گسترده ای از مردم آن سامان می زند. اقدامات بسیار گسترده ای را در جهت تفرقه بین شیعه و سنی انجام می دهد. در همین راستا می نویسد:

[باید مردم افغانستان دمار از روزگار شیعه ساکن هزاره بکشند و ایشان را از مملکت افغانستان نیست و نابود کنند و اراضی و املاک آنان را تصاحب کنند] 195 ...

او کشتار شیعیان را بر هر فردافغانی واجب می داند و حکم تکفیر آنان را صادر می کند حتی عالمانی که حاضر نیستند حکم به تکفیر شیعه بدهند به قتل می رساند.

او با صد و بیست هزار پیاده نظام و سواره نظام از مرکز چهل فوج و ده هزار سواره نظام و صد عدد توپ از شرق و غرب و شمال و جنوب به شیعیان هزاره حمله می کند اموال آنان را ضبط کرده و به قتل و غارت آنان می پردازد. عالمانی را که حکم به تکفیر شیعیان هزاره ای نداده اند در منطقه یقمان و پل محمود دار می زند. این قضیه همچنان ادامه دارد که خبر این جنایت هولناک به وسیله یکی از علمای افغانستان (ملاکاظم درفشانی) به میرزای بزرگ می رسد. وی پس از اطلاع بلافاصله اقدام می کند. دو تلگراف: یکی به انگلستان به ملکه ویکتوریا و یکی به ناصرالدین شاه ارسال می دارد و آنان را بر این اعمال وحشیانه مواخذه می کند.

در تلگراف به ناصرالدین شاه او را موظف می کند که: از ملکه انگلستان مواخذه کند که به چه دلیل عبدالرحمن جیره خوار انگلیس به قتل عام شیعیان هزاره ای پرداخته است. ناصرالدین شاه که از تلگراف میرزا سخت به وحشت افتاده وزیر خارجه انگلستان را احضار می کند و او را در جریان قرار می دهد. او نیز به حکمران هند که امیر افغانستان مادون اوست جریان را اطلاع می دهد. عبدالرحمن پس از اطلاع از واکنش مرجعیت جهان اسلام نسبت به اعمال وحشیانه اش و به دستور ارباب خود انگلستان از کشتار شیعیان دست می کشد. 196

3. در راه تفاهم اهل قبله

میرزای شیرازی به ایجاد تفاهم وحدت و اخوت شیعه و سنی اهتمامی بسزا داشت. او نیک می دانست که تفرقه و جدایی جز ضعف و ناتوانی مسلمانان محصولی را در بر نخواهد داشت لذا یکی از اقدامات بسیار مهم وی خاموش ساختن فتنه ای بود که در سال 1311 ه.ق. در سامراء به وقوع پیوست. اپادی استعمار و جاسوسان انگلیسی فتنه ای را بپا ساختند که در آن جنگ بزرگی بر پا شد و فردی از اهل سنت در آن واقعه کشته شد. جنازه او را در منزل ایشان قرار دادند تا نشان دهند که جنگ از این نقطه شروع شده است. وقتی خبر حادثه به بغداد و سایر شهرهای عراق رسید بسیاری از علماء و مردم و حتی کنسول ایران در بغداد به سامراء آمدند و همگی بر ضرورت خروج میرزای بزرگ و طلاب و سایر مجاورین از سامراء اتفاق کردند ولی آن مرجع بزرگ به خاطر برخورداری از اندیشه ای گرانمایه و حکمتی روشن بدون هیچ اظهار عجزی آنان را دعوت به صبر می کرد. حتی کنسول انگلستان و و والی عثمانی وقتی بر وقوع چنین حادثه ای آگاهی یافتند عزم سامراء کردند ولی مرحوم شیرازی کسی را نزد آنان فرستاد که بگوید:

[مساله به زودی اصلاح خواهد شد و این حادثه کوچکتر از آن است که نیاز به مداخله ماموران حکومتی باشد] 197 .

آنان هم بازگشتند.

در این زمینه از حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی (ره) نقل شده است:

[مرحوم میرزا در منزل خود نشسته بودند که دو نفر از ماموران سری انگلیس با هدایا و پولهای کلان

پشتیبانی دولت انگلیس را از منافع اقلیت شیعه سامراء در آن گيرودار اعلام می دارند. میرز بسیار ناراحت و متغیر می گردند و رو به یکی از برادران اهل سنت و شیعه که در آن جلسه حضور داشتند و طرفین قضیه بودند می کنند و می فرمایند:

این دو برادر اسلامی و مسلمان هستند و میان دو برادر تنی هم گاهی نزاع و برخورد می شود دیگران چه می گویند] 198 !

میرز پس از مدت با کفایت و تدبیر خویش آتش فتنه را خاموش ساخت و امور مردم به مجرای طبیعی خود بازگشت نمود. پس از آن اهالی سامراء با حضور در نزد میرز پشیمانی خویش را اظهار داشته و دست اطاعت و فرمانبرداری به سویش دراز نمودند و با معذرت از این که فتنه از ناحیه عده ای نادان و ناآشنا به فرجام کار انجام شده است از میرزا طلب عفو کردند. میرزا هم با کمال بزرگواری از آنان گذشت] 199

یکی از نویسندگان به نام عبدالرحیم محمدعلی حادثه دیگری را در این زمینه نقل می کند که آن نیز از هشیاری سیاسی و دینی میرزا حکایت دارد. وی می نویسد:

یکی از دوستان موثق من واقعه ای نقل کرد که بدین مضمون : کسی از مردم سامراء که به دلیل عاطفی نسبت به میرزای شیرازی کین می ورزید پسر بزرگ میرز (میرزا محمد شیرازی) را مضروب ساخت و میرزا محمد به علت این ضربت درگذشت . میرزای شیرازی در این واقعه لام تا کام نگفت و کمترین واکنشی نشان نداد. دشمنان آن روز اسلام واقعه را مورد توجه قرار دادند و خواستند برای ایجاد فتنه ای در دنیای اسلام از آن بهره برداری کنند. بدین منظور عده ای به سامرا آمدند و از وی درخواست کردند: تا در مورد از دست رفتن فرزندش و کار ناشایستی که بخصوص با توجه به مقام میرز واقع شده است اقدام کند و دستوراتی بدهد.

می خواهم خوب بفهمید! شما حق ندارید در هیچ یک از امور مربوط به ما مسلمانان و سرزمینهای ما مداخله کنید. این یک قضیه ساده است که میان دو برادر اتفاق افتاده است. آن عده با بینهای به خاک مالیده از حضور میرزا مرخص شدند. این جریان در آن ایام در استانبول به [باب عالی] رسید. خلیفه عثمانی از این موضع گیری هوشمندانه مرجع شیعه شادمان شد و به والی بغداد دستور داد که : خود به حضور میرزا برسد و از وی تشکر کند و از وقوع حادثه اعتذار جوید و ابراز تاسف نماید 200 ... میرزای بزرگ به شدت آنان را از خود راند و فرمود:

4. میرزای شیرازی در سفر حج خویش با حاکم وقت مکه برخوردی دارد که آن هم نیز حاکی از بینش سیاسی ایشان است .

حاج ملا محمدباقر تستری می نویسد:

[میرزای شیرازی در سال 1287 در زمان خلافت شریف عبدالله حسنی به حج مشرف شد و در خانه موسی بغدادی در مکه سکنی گزید. صاحب خانه ورود میرزا را به اطلاع شریف رساند. شریف تکلیف کرد که میرزا را نزادو ببرد. او قضیه را برای میرزا نقل کرد.

میرزا برای شریف پاسخ فرستاد که :

إذا رایتم العلماء علی باب الملوك فقولوا بئس العلماء و بئس الملوك و إذا رایتم الملوك علی باب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوك .

اگر علماء را برای سرای پادشاهان یافتید بگوئید: اینان بدترین علماء هستند و بدترین پادشاهان و اگر پادشاهان را برای سرای علماء دیدید بگوئید: اینان بهترین علماء هستند و بهترین پادشاهان .

شریف چون این سخن بشنود خود مبادرت به دیدار میرزا کرده و پس از آن او را به خانه خویش برد] 201 .

5. در مسافرتی که ناصرالدین شاه به عراق و نجف دارد همه علماء به دیدار او می روند جز مرحوم شیرازی . ناصرالدین شاه پیغام می فرستد و اصرار می کند میرزا نمی پذیرد. تا این که بنا می شود میرزا به حرم مشرف شود و ناصرالدین شاه هم برای دیدار وی به حرم برود. در آن جا دیداری با کیفیتی خاص صورت می گیرد. 202 این حرکت که مدتها قبل از نهض رخ می دهد حاکی از عدم رضایت میرزا از ناصرالدین شاه است . و اگر از همان هنگام و یا پیش از آن با وی به مخالفت بر نمی خیزند مصالح مهمتری را مد نظر دارند که بدان اشاره کردیم .

با توجه به آنچه آوردیم می توان به این نتیجه رسید که : فتوای تحریم تنباکو برخاسته از عقل و تدبیر و بینش سیاسی و احساس تکلیف شخص میرزا بوده است .

سخن به درازا کشید به برخی از بافته های تاریخ نگاران درباری و استعماری در گفتاری دیگر پاسخ خواهیم گفت . ان شاء الله .

پی نوشت :

- 93 قرارداد رژی . 103 و 104.
- 94 همان مدرک . 151 و 152.
- 95 بیدارگران اقلیم قبله حکیمی . 96.
- 96 خدمت و خیانت روشنفران جلال آل احمد ج 2.67.
- 97 سه سال در دربار ایران 342 و 343 دین و دولت حامدالگار 325 تحریم تنباکو تیموری . 215.
- 98 حیات یحیی یحیی دولت آبادی ج 1.137.
- 99 دین و دولت حامدالگار. 324 تحریم تنباکو تیموری . 204. در این نامه امپراطور روس از اقدام میرزا در تحریم تنباکو تشکر می کند و ضمناً می نویسد:
- سرکنسول روس در بغداد پس از تقدیم نامه دو - سه روزی در سامرا می ماند و تقاضای ملاقات می کند ولی مرحوم میرزا که از نیات باطنی آنها مطلع است او را به حضور نمی پذیرد و جواب نامه امپراطور روس را هم نمی دهد. امپراطور انگلیس هم برای این که از رقیب خود عقب نماند نامه ای به همان مضامین به میرزا می نویسد و قید می کنند که انتظار جواب ندارند. فقط ممنون می شوند که میرزا نامه را بپذیرد.
- 100 همان مدرک . 323.
- 101 همان مدرک 324. تحریم تنباکو تیموری . 196.
- 102 همان مدرک تیموری . 201 و 202.
- 103 حیات یحیی ج 1. 133 دین و دولت . 324 به نقل از: مستوفی ج 1.508.
- 104 همان مدرک به نقل از : خاطرات سیاسی امین الدوله . 164.
- 105 خدمت و خیانت روشنفکران جلال آل احمد ج 2.67.
- 106 نقباء البشر ج 1.261264.
- 107 تحریم تنباکو در ایران ریچارد کدی . 1 قطع جیبی برای آگاهی از گفته های دیگر مورخین در این زمینه
- رک : تحریم تنباکو تیموری . 10 و 11.
- 108 صحیفه نور ج 1.259.
- 109 همان مدرک ج 13.175.
110. به حیات یحیی یحیی دولت آبادی ج 105.1 ایدئولوژی نهضت مشروطیت فریدون آدمیت . 38 و استاد سیاسی دوران قاجاریه ابراهیم صفائی .
- 111 یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه معیرالممالک . 177.

- 145 تحریم تنباکو کدی .
- 146 همان مدرک .98.
- 147 سه سال در دربار ایران .242243.
- 148 روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه .793.
- 149 تحریم تنباکو تیموری .113.
- 150 تحریم تنباکو زنجانی .104.
- 151 اعیان الشیعه ج 16، 283.
- 152 دین و دولت .302. به نقل از انقلاب ایران ادوارد براون .22.
- 153 دین و دولت .302303.
- 154 نقش سیدجمال الدین در بیداری مشرق زمین محیط طباطبائی .2832.
- 156 خاطرات سیاسی امین الدوله 143 تحریم تنباکو تیموری .50 و 72. ضمنا محتوای خود نامه بهترین دلیل است که حامل نامه فال اسیری است . سیدجمال در آخر نامه می نویسد: چون مجتهد عالم حاجی سیدعالی اکبر عازم بصره بوداز من درخواست کرد نامه ای به رئیس مذهب بنویسم واین مفسد را متذکر شوم و من هم درخواست او را پذیرفتم .
- 155 سیدجمال الدین پایه گذار نهضت‌های اسلامی .215 214.
- 157 مرحوم شیرازی در نخستین تلگراف از واقعه شیراز و تبعید فال اسیری واز پناه آوردن وی به سامراء سخن می گوید .قرارداد رژی .4041.
- 158 تحریم تنباکو تیموری 87. قرارداد رژی تاریخ تلگراف را ذکر نکرده است ولی پاسخ تلگراف کامران میرزا نایب السلطنه را به میرازی پیرازی هفتم محرم الحرام 1309 می داند .41.
- 159 تحریم تنباکو تیموری 103. سه سال در دربار ایران فووریه 323. قرارداد رژی .67.
160. برای آگاهی از محتوا و متن عربی نامه سیدجمال الدین به مرحوم شیرازی نگاه شود به : تاریخ بیداری ایرانیان 9296. نقش سیدجمال در بیداری مشرق زمین .208215 مشرق زمین .207 197 تحریم تنباکو تیموری .5258.
- 161 تاریخ بیداری ایرانیان 9296. نقش سیدجمال در بیداری مشرق زمین .208215 مشرق زمین .207. 197 تحریم تنباکو تیموری .5863.
- 162 نگاه شود به: قرارداد رژی 37. تحریم تنباکو تیموری .86.
- 163 بررسی اجمال نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر شهید مطهری 1617.
- 164 نقش سیدجمال الدین در بیداری مشرق زمین .33.
- 165 قرارداد رژی .124.
- 166 همان مدرک .129.
- 167 همان مدرک .129.
- 168 همان مدرک .134.
- 169 یاداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه معیر الممالک .177.
- 170 حیات یحیی ج 1.150.
- 171 دین و دولت حامدالگار .322.
- 172 پیکار پیروز تنباکو 6566 به نقل از : استاد سیاسی .29.
- 173 ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران فریدون آدمیت .42.
- 174 همان مدرک . ضمناایشان در پاورقی آورده اند که عکس سند در تصرف ماست .

- 175 دین و دولت. 319.
- 176 تاریخ بیداری ایرانیان ج. 1. 49. قرارداد رژی 8487.
- 177 ایران در برخورد با استعمارگران دکتر سیدتقی نصر. 371.
- 178 نقس سیدجمال الدین در بیداری مشرق زمین محیط طباطبائی. 35.
- 179 همان مدرک. 316.
- 180 تحریم تنباکو در ایران نیکی ر.د. کدی قطع جیبی .
- 181 تحریم تنباکو تیموری. از کارهای امین السلطان و کمپانی رژی برای خنثی کردن حکم میرزای شیرازی این بود که توسط درباریان و روحانی نمایان وابسته انتشار دادند: این حکم جعلی است و جاعل ن ملک النجار است . به همین سبب امین السلطان او را به قزوین تبعید کرد.
- 182 حیات یحیی ج 1. 1081.
- 183 همان مدرک. 109.
- 184 سه سال در دربار ایران. 324.
- 185 برای مخالفت ملک التجار عللی ذکر کرده انداز جمله این که : می گویند: چون ملک التجار پیشنهاد کرده بود که با کمپانی شریک شود و آنان قبول نکردند مصمم می شود که با کمپانی مخالفت کند . تحریم تنباکو تیموری. 105 پاورقی .
- 186 میرزای شیرازی شیخ آقا بزرگ. 38 و 39.
- 187 همان مدرک .
- 188 هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی شیخ آقا بزرگ. 31.
- 189 خدمت و خیانت روشنفران ج 2. 67.
- 190 هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی شیخ آقا بزرگ. 33 و 34.
- 191 تحریم تنباکو تیموری. 87.
- 192 همان مدرک .
- 193 قرارداد رژی. 132.
- 194 همان مدرک. 134.
- 195 فقهاء نامدار شیعه عقیقی بخشایشی. 374 تا 376. به نقل از معراج التواریخ. 439 و 462 و 1030.
- 196 همان مدرک .
- 197 میرزای شیرازی شیخ آقا بزرگ تهرانی 266 فقهاء نامدار شیعه. 377.
- 198 فقهاء نامدار شیعه .
- 199 میرزای شیرازی. 226.
200. شیخ آقا بزرگ تهرانی حکیمی 2829. به نقل از شیخ الباحثین. 42 و 43.
201. میرزای شیرازی. 40.
202. اعیان الشیعه ج 23. 130. این برخورد در سال 1287 اتفاق افتاده است .
- منبع: سایت حوزه